

جهان در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

سازمانها و شخصیت هایی که اخیراً در هندوستان و بلژیک همبستگی خود را با قهرمانان اوین، گومر دشت و سایر شکنجه گاههای قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی ابراز داشته، خواهان آزادی آنان شده اند، از نظر خوانندگان می گذرد.

برای پیروزی آن شکنجه و اعدام را به جان خریدند. همبستگی مردم و نیروهای ترقیخواه کیتی با زندانیان سیاسی ایران در عین حال بیانگر رسوایی و انزوی جهانی حکومت ضد انسانی فقهاست.

بیکار زندانیان سیاسی ایران علیه ددمنشی های رژیم خمینی همواره با پشتیبانی شورانگیز پيشاهنگان و دوستداران آزادی و صلح در جهان مواجه بوده است. این پشتیبانی گواه حقانیت آرمانی است که فرزندان اسپر خالق ایران

- ۷ - هومی داجی، دبیرکنگره اتحادیه های کارگری سراسری هند
- ۸ - س. پ. گاناچلی، دبیر مرکز اتحادیه کارگری هند
- ۹ - اجمل اجملی، دبیر شورای ملی فدراسیون نویسندگان مرفی هند
- ۱۰ - ساتون کمار، رئیس ود. راجا، دبیرکل فدراسیون سراسری جوانان هند

- ۱ - ام. فاروقی، دبیر شورای ملی حزب کمونیست هند
- ۲ - ای. ام. اس. نامبودی ری پاد، دبیرکل حزب کمونیست هند (مارکسیست)
- ۳ - سیتارام یاجری، مسئول روابط بین الملل و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست)
- ۴ - د. د. تالستری، دبیر جبهه پیشرو
- ۵ - پارتول چودری، دبیر حزب سوسیالیست انقلابی
- ۶ - مانان مولا، عضو پارلمان و دبیرکل فدراسیون دمکراتیک جوانان هند

بقیه در صفحه ۶



دوشنبه ۲ شهریور ۱۳۶۶ برابر ۲۴ اوت ۱۹۸۷
بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۷۱

رژیم مدام در مانده ترمی شود

در هفته گذشته انستیتوی مطالعات استراتژیک در لندن آماری از کشتی های جنگی جمع شده در آبهای خلیج فارس و دریای عمان را مطابق با برآورد خود، اعلام کرد. بر طبق برآورد این انستیتو آمریکا اکنون در خلیج فارس دارای ۷ کشتی جنگی است و در آبهای مشرف به منطقه علاوه بر ناو هواپیمابر کانستلشن یک رزمناو، یک ناوشکن و دو ناو موشک انداز را به حالت آماده باش نگه داشته است. علاوه بر اینها کاروان دیگری شامل یک کشتی دارای چندین قایق مین جمع کن و نیز کشتی جنگی میسوری و چهار تا شش کشتی همراه آن به سمت منطقه خلیج فارس در حرکتند. پس از آمریکا، انگلستان و فرانسه قرار دارند. انگلستان ناوشکن، دو ناو موشک انداز و یک کشتی تدارکاتی در منطقه است. به زودی بر این کشتی ها چهار ناوشکن، یک کشتی تدارکاتی و چهار رزمناو دیگر افزوده خواهد شد.

مطابق با آمار انستیتوی مطالعات استراتژیک، تعداد کشتی های جنگی فرانسوی در منطقه از این فرارند، یک ناوشکن، سه ناو موشک انداز و یک کشتی تدارکاتی. بر این کشتی ها قرار است سه قایق مین جمع کن و یک کشتی تدارکاتی دیگر و محتملا ناو هواپیمابر کلمانسو همراه با دو ناوشکن و یک کشتی تدارکاتی فرانسوی افزوده شود.

بقیه در صفحه ۲

«رسالت»، بازار در مبارزه با گرانی

در قالبی جدید. اینبار مقدمات و آئین نامه های دولتی مبارزه با گرانی که از سوی نخست وزیر تهیه شده بود، به توضیح خمینی نیز رسید و محشی وزیر کشور رژیم اعلام کرد، "امام اختیار تعزیر حکومتی را در مبارزه با گرانفروشی به دولت تفویض فرموده اند. وحدود آن بسیار گسترده است." بدول و بخش حاتم وار "تعزیرات" از مشخصه های ثابت رژیم زور سالار خمینی است. اما برخلاف آنچه که محشی می گوید در "گسترده گی این تعزیرات" محدودیتی است و آن اینکه این تعزیرات تا آنجا باید گسترش یابند که به پرقهای "بازار اسلامی" بر نخورد.

با ورود رخر و ابر قدرت
بقیه در صفحه ۱۲

کژمکان ایدئولوژیک خود - سیاه و کمیته - کوشید تا در گرد و خاک برجای مانده سوارکاران مزدور در مبارزه با "تروریستهای اقتصادی"، نیات سرمایه نوازانه خود را پوشیده دارد. در آن روزگار تاخت و تاز لفظی علیه گرانفروشان و محکمرین، گرانفروشان و محکمرین توانستند انبوه برانها ن ذخایر نقدی خود را بفرازایند و بر کسب و کار "حلال" و "اسلامی و شرعی" خود رونق بیشتری ببخشند. گرچه چنچال امروزین فقها دارای ویژگی هایی است که می توان بر آن لقب "مبارزه با گرانی به سبک جمهوری اسلامی" نهاد.

باز آفرینی حکایت کهنه مبارزه با گرانی و احتکار. باز آفرینی همان حکایت کهنه است

چار و چنچال مبارزه با گرانی برای مردم ما تازگی ندارد. آنگاه که تورم بر زندگی محقر حقوق بگیران ثابت چنگ می کشد، داروغه پاش ها و کژمکان به میادین و گذرگاه های ریزندنا با گوتبالی دادن کسبه جزء و خرده پا، در فضای اهرآلوده هیاهوهای هیستریک، خالقلین اصلی گرانی را از تیورس خشم توده ها مصون دارند. چنین بود مبارزه با گرانی در سالهای ۵۰ و چنین است امروز. چاروچنچال حکومت خمینی در عرصه مبارزه با گرانی بهیچ رو محدود به هفته های اخیر نمیشود. مردم بخوبی بخاطر دارند که با صعود بحران برقله سپه روزی توده ای که از اوایل سالهای ۶۰ آغاز شد، رژیم با اعزام اکیپ های موتورسوار و

مهدی هاشمی، محارب و مفسد فی الارض شناخته شد

محاکمه مهدی هاشمی که از تاریخ ۲۲ مرداد ماه در دادگاه ویژه روحانیت شروع شده بود، بعد از ۴ روز خاتمه یافت. خبر دستگیری مهدی هاشمی و "تعدادی از مرتدین با او" در ۵ آبان سال گذشته، با قرائت نامه ری شهری وزیر ساواک به خمینی در رادیوی حکومتی بطور رسمی اعلام گردید. ری شهری در آن نامه با ذکر بخشی از اتهامات مهدی هاشمی از خمینی خواست نظر خود را "در رابطه با رسیدگی جدی به کلیه اتهامات مهدی هاشمی و گروه وی توسط وزارت اطلاعات" اعلام کند. خمینی در پاسخ، ضمن صدور اجازه تعقیب پرونده،

تاکید کرد چون موضوع "مربوطه به اسلام و انقلاب و امنیت کشور است، تحقیق آن منحصر در اختیار وزارت اطلاعات باید باشد." بدنبال دستگیری مهدی هاشمی، در ۲۶ اسفند ماه سال گذشته، شبکه اول تلویزیون جمهوری اسلامی فیلمی از اعتراضات هاشمی و دو تن دیگر از نزدیکان وی را به نمایش گذاشت. ساواک جمهوری اسلامی همزمان با نمایش فیلم اعتراضات، اعلام کرد به اطلاعات جدیدی در رابطه با مهدی هاشمی و گروه وی دست یافته است. چندی بعد از نمایش فیلم، مقتدایی عضو و

سخنگوی شورای عالی قضایی طی مصاحبه مطبوعاتی اعلام نمود، خمینی و منتظری با محاکمه مهدی هاشمی موافقت کرده اند. بعد از اعلام این خبر، خمینی با صدور حکمی به حجت الاسلام فلاحیان و رازینی دستور داد بمنظور رسیدگی به محاکمه و مجازات روحانیون و از جمله مهدی هاشمی، دادگاه ویژه ای در محل اوین تشکیل دهند.

محاکمه مهدی هاشمی در دادسرای ویژه روحانیت، اولین اقدام این دادسرا به شمار می رود. در متن کیفرخواست که از طرف فلاحیان قرائت شد، به غیر از

بقیه در صفحه ۳

در این شماره

هشت سال از آغاز یورش به خلق کرد گذشت
در صفحه ۲

نگاهی بر برخی از علل گرانی در کشور

در صفحه ۱۲

گس هال: ریگان در حال عقب نشینی است
اما نباید دچار توهم شد

در صفحه ۱۴

عوامل عملیات تروریستی رژیم خمینی
در پاکستان

در صفحه ۱۱

رژیم مدام درمانده تر می شود

بقیه از صفحه اول

علیرغم افزایش مدام تعداد کشتی های جنگی آمریکایی، فرانسوی و انگلیسی در منطقه، برخی از مطبوعات غربی در هفته گذشته بر این نظر بودند که تشنج در منطقه خلیج ولرد قوس نزولی خود شده است. اما هر چند که بحران به شدت دو سه هفته گذشته ثابت، هنوز نمی توان چنین حکمی را داد. تشنج اگر چه هم از سوی آمریکا و هم از سوی جمهوری اسلامی تحت کنترل است، اما هنوز در آن حد بالاست که وضعیت را بتوان همچنان وخیم توصیف کرد.

عمدتاً آنچه که باعث شد در برخی مطبوعات غرب او کاسته شدن شدت بحران در منطقه سخن گفته شود اظهارات رفسنجانی در مورد گروگانهای آمریکایی در لبنان بود. رفسنجانی در هفته گذشته اعلام کرده که جمهوری اسلامی حاضر است در راه آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان بکوشد و از روابط ویژه خود با حزب الله لبنان و دیگر گروههای مشابه در این کشور، در این راستا بهره گیرد. او البته از مبادله هس گروگانها با اعضای گروههای تپیه لبنانی اسیر در اسرائیل و کویت سخن گفت، اما اساساً تأکید او در مورد مساعدت جمهوری اسلامی برای آزادی گروگانهای آمریکایی جلب نظر کرد.

در غرب سخنان رفسنجانی به مثابه کرنش ملیحانه رژیم در برابر آمریکا انعکاس یافت. این برداشت کاملاً صحیح است اما از آن نمی توان کاسته شدن او دامنه تشنج در منطقه را نتیجه گرفت. در همین هفته گذشته شاهد بودیم که چگونه نفث کش های کویتی بیشتری به زیر پرچم آمریکا رفت و چگونه آمریکاباز هم ماشین جنگی خود را در آبهای منطقه تقویت کرد. رژیم های عربی مرتجع منطقه نیز به فکر تقویت بیشتر قدرت نظامی خود افتاده اند. عربستان هواپیماهای جنگی تازه ای را به آمریکا سفارش داده است و بقیه کشورها نیز در حال تهیه لیست سفارهای تازه اند.

ریشه تشنج در منطقه، جنگ ارتجاعی هفت ساله ایران و عراق است. در واقع خمینی آمریکا را به منطقه فراخوانده است. این احکام احکامی هستند قطعاً صحیح اما به شرطی او بار معنایی دقیقی برخوردار خواهند بود که عمیقاً به اهداف آمریکا در منطقه توجه داشته باشیم. آمریکا

تدارک حملات دیگری شیو هست، اما اساساً منتظر است تا بنگرد آینده چه خواهد شد.

رژیم در هفته های اخیر هم در مقابل فشار بین المللی برای پایان یافتن جنگ و هم در قبال تشنج در منطقه لحن محتاطانه تری را گرفته است. جمهوری اسلامی بدان دل بسته است که گذشت زمان او شدت تاثیر فاکتور های منطقه ای و بین المللی بکاهد و جنگ مجرای همیشگی خود را بیابد.

سیاست جمهوری اسلامی در قبال تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه جزم و احتیاط است. در این رابطه نه برخی از تحلیلقات رادیو تلویزیونی و مطبوعات رژیم بلکه این سخن هفته گذشته رفسنجانی را باید معیار گذاشت که "ما هیچ اقدام خصمانه ای علیه آمریکا صورت نخواهیم داد."

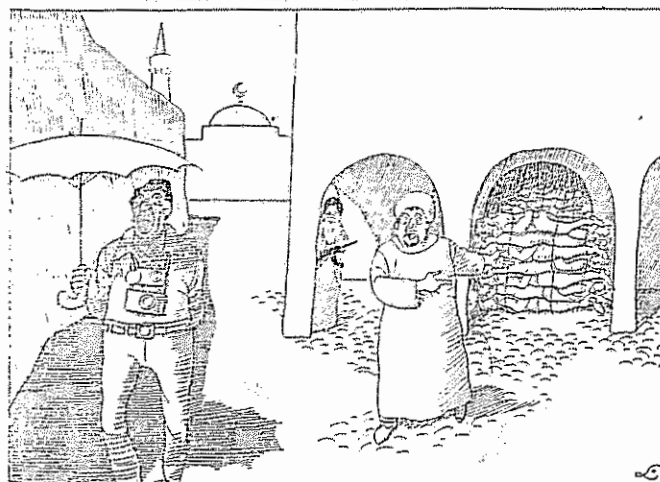
برخی از فعالیت های دیپلماتیک یکی دو هفته گذشته رژیم را نیز باید با سیاست وقت گذرانی توضیح داد. ولایتی به عمان رفت و با سلطان قابوس در مورد اوضاع منطقه به مذاکره پرداخت. او در عمان از نقشی که دبیرکل سازمان ملل متحد می تواند در رابطه با جنگ ایران و عراق ایفا کند، ستایش (!) کرد و اعلام کرد که تهران آماده پذیرایی از وی است. نقطه

نیامده است که در منطقه صلح برقرار کند، به قصد پاچ خواهی آمده است و بر آن است که حضور خود را در منطقه هم در شکل مستقیم و هم در شکل غیرمستقیم آن تقویت کرده و بدان حالت شهادی دهد. آمریکا صرفاً به کرش خمینی بسنده نمی کند، صرفاً قصد جبران افتضاح ایران کیت را ندارد و هدفهای دور و درازی را در مقابل خود نهاده است که بی گمان یکی از حلقات آن به پاوی در آوردن رژیم جمهوری اسلامی به شکلی مقبولتر است.

جمهوری اسلامی اکنون به سمت کرنش های بیشتر در برابر آمریکا حرکت می کند. اوچ کردن کتی رژیم خمینی در برابر آمریکا مانور مسخره نبادت در تنگه هرمز بود. این مانور دقیقاً مورد استقبال آمریکا قرار گرفت و حکم مکمل مانورهای "ستاره درخشان ۸۷" را پیدا کرد.

رژیم دم تکان می دهد در حالی که لیدنش نیز ادامه دارد. برای رژیم اکنون ساله عمده این است که در شرایط جدید چگونه جنگ را پیش برد. به نظر می رسد که جمهوری اسلامی در این مورد چاره ویژه ای اندیشیده باشد. تاکتیک کنونی رژیم تاکتیک وقت گذرانی است. برتد اوم جنگ با عراق اصرار دارد، حملات پراکنده ای را ترتیب می دهد، در

مستتر، گروگانها آماده تحویلند!



در هفته گذشته رفسنجانی اعلام کرد که رژیم آماده است ترتیب آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان را بدهد و از رابطه خود با حزب الله لبنان در این راستا بهره گیرد. این سخن همراه با اعلام این موضوع که "جمهوری اسلامی هیچ اقدام خصمانه ای را علیه آمریکا صورت نخواهد داد" به مثابه کرنش ملیحانه رژیم خمینی در برابر آمریکا تفسیر شد.

(کاریکاتور از روزنامه زود دوپچه تسایتونگ)

شروع این گونه سیاست پاوی ها پاسخ در مجموع مبهم رژیم به قطعنامه شورای امنیت در مورد آتش پس در جنگ ایران و عراق بود.

در این میان جنگ همچنان خون می ستاند و ویران می کند. عراق در هفته گذشته اعلام کرد که مخالف کشتادن جنگ به عرصه دریایا و وزن کشتی هاست و درگیری با جمهوری اسلامی را تنها در جنبه ها و حملات هوایی پیش خواهد برد. عراق در این زمینه بر تحرک خود افزوده است. در دو هفته اخیر تاسیسات نفتی مختلفی در خوزستان و آذربایجان شرقی هدف حملات عراق بوده است. رژیم خمینی نیز حملاتی همچون فتح ۹ را پیش می برد و پسر و چند شهر دیگر عراق را زیر آتش قرار داده است.

اما در این عرصه نیز وقت گذرانی مشهود است. این وقت گذرانی ریشه در درماندگی دارد. جنگ اکنون جنگ سه سال، دو سال و یا حتی یک سال پیش نیست. تاثیرات داخلی و خارجی آن چند باره گشته است. رژیم خواهان تداوم جنگ است اما هیچ گاه همچون امروز برای پیشبرد جنگ درمانده و ناتوان نبوده است. رژیم می کوشد مشکلات، ناتوانی ها و درماندگی هایش را در جلال زمان حل کند تا او غلبت آنها کاسته شود. اما او دست زمان کمی که بر نمی آید هیچ، گذشت هفته ها و ماه ها همچون آوار بر سر فقها فرو می ریود. رژیم در باتلاق دست و پا می زند و درمانده است، اما این درماندگی هنوز یک چیز است و احتمال پایان علی جنگ یک چیز دیگر. درماندگی می تواند زمینه ساز خیلی چیزها باشد، خاصه اگر تاثیرات سیاسی و اجتماعی خود را آشکارتر نشان دهد و تنها در بحث عمومی بر سر جنگ وارد تحلیل نگردد.

رژیم می کوشد برای پیشبرد جنگ با تعرض به مردم، با تعرض به تهمانده سفره نان آنها و به جنبه فرستادن جوانان هنوز در خون در نخلتیده آنها، او دامنه ناتوانی ها و درماندگی هایش بکاهد. باید برای ترتیب دادن ضد حمله نیرومندی در برابر این حمله رژیم همه قوا را بسیج کرد.

مبارزه برای صلح باید پیش از هر زمان دیگری تشدید شود. در خارج از کشور و در عرصه بین المللی پیش از هر هنگام دیگری برای تشدید مبارزه علیه جنگ خمینی و صدام حسین شرایط مساعدی فراهم گشته است. بر ماست که از این شرایط بهترین بهره گیری را به عمل آوریم.

هشت سال از آغاز یورش به خلق کردگست

در ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸، خمینی فرمان یورش سراسری به کردستان را صادر کرد. یورش جنایتکارانه پاسداران و نیروهای ارتش به مردم مبارز کرد از شهر پاره آغاؤ کشت. رژیم با اندیشه سرکوب فوری و نابودی مقاومت خلق کرد و رؤمندگان دلاور، با تمام قوا و با عیان ساختن اوچ تبهکاری و ددمنشی، هرچا که پاکداشت موجی از کشتار و جنایت و آتش و خون پدید آورد. در هر شهر اشغال شده کردستان اعدام‌های جمعی و وسیع ترتیب داده شد. چهره‌های نمادین رژیم در جنایت و کشتار همچون شیخ صادق خلجالی و چمران در منطقه به چولان برداختند.

مؤمنان با یورش به کردستان، در حد امکانات آن زمان رژیم، سازمان‌های چپ و دمکرات نیز در سراسر کشور مورد حمله قرار گرفتند. جمهوری اسلامی برای ایجاد وحشت در کردستان و دیگر نقاط کشور به باؤتاب وسیع جنایت‌هایش در کردستان پرداخت، صفحات اول روزنامه‌های رژیم با عکس‌های سروهایی که ایستاده می‌مردند، قهرمانانی که تا آخرین دم حیات با سرافراشته مرگ را پذیرا می‌شدند مزین شد.

اما رژیم بسیار زود ضربات متقابل خلقی قدرتمند و رزمنده را دریافت داشت. با وجود فرو افکندن مداوم بمب و کلوله و آتش بر سر مردم کرد، علیرغم دستگیری، وُندان و اعدام کردن فرزندان مبارز این خلق دلاور و پیکاری ده‌ها و صدها روش سرکوبگرانه دیگر، رژیم در سرکوب جنبش خلق کرد شکام ماند. سال گذشته در هفتمین سال یورش ارتجاع به کردستان، رفسنجانی جنایتکار در دیدار با پاسدارانی که پس از پایان دوره آموزشی عاؤم کردستان بودند، عاؤانه گفت: "ما می‌دانیم که یکی از کارهای مشکل جنگ در کردستان است... آنهایی که در کردستان با شما طرف هستند، بدتر از اراقی‌ها هستند، شما با بدترین دشمن اسلام مواجه هستید... با آنها در نهایت شدت برخورد کنید."

در طی تمام هشت سال گذشته، هشت سالی که از آغاؤ یورش به کردستان می‌گذرد، رژیم به اشکال مختلف "ضاهیت شدت برخورد" را به کار گرفته است. پیش از صدها هزار نیروی تا دُندان مسلح، منطقه را به اشغال درآوردند، هرچا که توانستند، پادگانی ساختند، کردستان را با تاکتیک جنگی زمین سوخته و افندام روستاها و شهرها به نابودی کشاندند، سوآندند و کشتند، نابود ساختند. به خاطر کلوله باران‌های توپخانه‌های رژیم خمینی و هواپیماهای عراق بسیاری روستاها خالی اؤسکته و تخلیه شدند. شهرهای پانه و مریوان ویرانه شده‌اند، شهرهای سردشت و پیرانشهر و اشویه شدت آسیب دیده‌اند.

تره‌مه این جنایت‌ها، افزایش خشم و شغرت توده‌های مردم کرد نسبت به رژیم ضد خلقی و جنایتکار جمهوری اسلامی و فروزان تر شدن آتش رزم مسلحانه آنان بود.

جمهوری اسلامی علیرغم اشغال نظامی منطقه همچنان در پایگاه‌های خود وُندانی است و همچنان خود را در دریای خشم مردم در وُروقی درهم شکستی و پوسیده می‌بیند. مبارزات قهرمانانه خلق کرد توان رژیم خمینی را فرسوده است و فرسوده‌تر خواهد ساخت.

برای پیروزی قطعی جنبش ملی

کمونیستی ایران می‌نهد. در این وُمیغه آنچه که به ساؤمان ما مربوط می‌شود این است که ما می‌کوشیم اؤیکسوبه وظایف مبارزاتی خویش در قبال جنبش ملی خلق کرد پاسخ گوئیم و در این راه هرکوشه مانعی را اؤسراه برداریم و اؤسوی دیگر تامین اتحاد جنبش ملی خلق کرد با جنبش کمونیستی را عملی سازیم. در راستای شخصت ما این رهنمود پلغوم وسیع کمیته مرکزی ساؤمان در فروردین ماه ۶۵ را فراراه خود می‌دانیم که: "وظیفه مبرم ساؤمان ماست که فعالیت سیاسی و ساؤمانی خود را در کردستان هرچه فعال‌تر گسترش دهد. جلب توده‌های وُحمتکش کرد به صفوف ساؤمان و گسترش وُغؤ سیاست، شعارها و برنامہ ما در میان خلق کرد دارای اهمیتی فوق‌العاده است. کردستان هم کانون مبارزه علیه ستم ملی و هم یک کانون تمرکز نیروهای ملی و دموکراتیک ایران است. با توجه به خط مشی، برنامہ و ستمگیری نیروهای جنبش ملی کرد، حضور فعال ساؤمان در منطقه و تلاش ساؤمان بمثابة پیشاهنگ طبقه کارگر



سال ۱۳۵۸ - صحنه ای از اجلاس شورای شهر سنندج

ایران برای سرنوشت تنهایی آن حایؤ اهمیتی تعیین کننده است." واقعیتی است که مواضع انحرافی ساؤمان ما در سال‌های ۶۰ و ۶۱ در قبال رژیم جمهوری اسلامی و به تبع آن ساؤمان‌های سیاسی خلق کرد، بر پیشرفت در راستای دوم یعنی تامین اتحاد جنبش ملی خلق کرد، با جنبش کمونیستی، تاثیراتی مخرب جدی بر جای گذاشته است اما ندیدن این اصل تاریخی که تنها جنبش کمونیستی بنا به ماهیت خود مدافع پیگیری و رزمنده راه کسب حقوق خلقی‌های تحت ستم است، و واقعیت دفاع قاطع و همیشگی کمونیست‌های ایران اؤ حق تعیین سرنوشت خلقی‌ها و مشخصا خلق دلاور کرد، نمی‌تواند اؤ هیچگونه اصولیتی برخورددار باشد. این امر قطعاً ضربات چیران ناپذیری بر مبارزه پیروزمند خلق کرد و انقلاب ایران وارد خواهد ساخت.

مهدی هاشمی

بقیه از صفحه اول

اتهاماتی که قبلاً در جریان دستگیری مهدی هاشمی و بعد از آن از طرف ساواک مطرح شده بود، نکات تازه‌ای افشاند. در جریان این دادگاه، اتهامات مهدی هاشمی و گروه وی در ۸ بند خلاصه شد که در مطبوعات دولتی رژیم به بند ۶ آن هیچگونه اشاره‌ای نشده است. خودداری از اعلام این‌بند از کیفرخواست مهدی هاشمی در رابطه با هشدار اکید خمینی مبنی بر مصون داشتن "دامن بزرگان از اتهامات" قابل ارزیابی است.

متن کیفرخواست مهدی هاشمی، به غیر از بند اول آن که مربوط به "سازماندهی و رهبری گروه‌های متعدد ترور و آدم‌ربایی" می‌باشد، بقیه در چارچوب کشمکش‌های درونی ارکانهای حکومتی و جنگ و جدال جناح‌های ارتجاعی رژیم قرار دارد. در این چارچوب محور اصلی اتهامات وی، چنانکه قبلاً نیز اعلام شده بود "ایجاد سطل و بدبینی نسبت به مسئولین و نظام جمهوری اسلامی" و "مخالفت و اقدام علیه سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی" ذکر شده است.

مهدی هاشمی در جریان دادگاه، علت "انحرافات" خود را ناشی از "مسائل خطی کشوری" خواند و "تاکید بیش از حد بر سیاست" و "افراط و تندروری در تحلیل مسائل سیاسی" را ریشه "انحرافات" خود و گروه‌اش برشمرد.

وی در پایان دفاعیات خود، با اقرار به قتل‌های متعددی که بوسیله وی و عوام‌ش صورت گرفته و با پذیرفتن سایر اتهامات دادگاه، از خمینی تقاضای عفو کرد.

در پایان چهارمین روز دادگاه مهدی هاشمی، دادستان دادرای ویژه روحانیت با تاکید بر "نقش تخریبی و انحرافی اعلامیه‌ها و شب‌نامه‌های بی‌نام و نشان جریان مهدی هاشمی در جهت بدبین کردن مردم به نظام مقدس جمهوری اسلامی" از ریاست دادگاه ویژه روحانیت برای وی به عنوان "مصدق بارز محارب و مفسد فی الارض" تقاضای اشد مجازات کرد.

حکم نهائی مجازات مهدی هاشمی، هنوز از طرف دادگاه ویژه روحانیت اعلام نشده است و انتظار می‌رود بعد از مشورت با خمینی در آینده صادر شود.

وضعیت صادرات نفت ایران و عراق

کازم پور اردبیلی معاون امور بین‌المللی و بازرگانی وزارت نفت، طی یک مصاحبه رادیو و تلویزیونی وضعیت کنونی صادرات نفت جمهوری اسلامی و تنگنای ناشی از قطع واردات نفت ایران توسط دولت فرانسه را تشریح کرد. وی در مورد خودداری فرانسه از خرید نفت ایران گفت، "مانگرانی نداریم، سهمیه‌های صادراتی ما آنقدر تنوع دارد که اگر محدودیت صادرات را برداشت نماییم بیش از ۴۰ کمپانی دولتی در بیش از ۲۰ کشور جزو فهرست برداشت کنندگان نفت ایران هستند که حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد سهمیه صادراتی ما دارند."

هفته گذشته منابع نفتی غرب و رسانه‌های عراق اعلام کردند خط لوله جدید این کشور که از خاک ترکیه می‌گذرد، از روز چهارشنبه ۲۸ مرداد شروع به کار کرده است. این خط لوله روزانه نیم میلیون بشکه نفت عراق را به دریای مدیترانه می‌رساند. از طریق خط لوله اول نیز که از مدتها پیش مورد بهره‌برداری قرار گرفته، روزانه یک میلیون تن صادر می‌شود. آمار موجود نشان می‌دهد که تا ماه آینده و شاید هم زودتر، تولید نفت عراق از سطح سهمیه رسمی ایران در نیمه دوم سال ۸۷ که ۲/۲۹ میلیون بشکه در روز است، بالاتر خواهد رفت.

بر طبق ارزیابی "نشریه بازار نفت"، چنانچه عراق از خط لوله با ظرفیت کامل ۵۰۰ هزار بشکه در روز بهره‌برداری کند، در سه ماه چهارم سال جاری، تولید خود را به ۲/۷ میلیون بشکه در روز خواهد رساند. تولید کنونی عراق بر اساس گزارش دریافتی اوپک، ۲/۲ میلیون بشکه در روز است.

در صورت ادامه روند تولید فعلی عراق، نقش این کشور در بازار نفت، سهمیه‌بندی اوپک بی‌تاثیر نخواهد بود. به‌ویژه آنکه کازم پور اردبیلی بر اساس نظر سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی در مصاحبه خود تأکید کرده است، برای حفظ توان تولیدی، سرمایه‌گذاری و اکتشاف باید سهم ایران ۱۴/۲ درصد تولید اوپک باشد. این رقم هم اکنون کمتر از ۱۲ درصد است.

افزایش نرخ بیمه کشتی‌ها در خلیج فارس

شرکت بیمه لویدز روز ۱۵ مرداد نرخ بیمه کشتی‌هایی که در خلیج فارس تردد می‌کنند را افزایش داد. روزنامه کیهان ۱۸ مرداد ضمن اعلام خبر فوق، به نقل از خبرگزاری فرانس پرس نوشته است، لویدز اعلام داشته است براساس این تصمیم نرخ بیمه از ۲ درصد به ۳/۷۵ درصد برای حمل و نقل در شمال خلیج فارس و در بالای مدار ۲۷ درجه طول شمال که منطقه کویت و شمال عربستان را در بر می‌گیرد افزایش یافته است.

به گزارش "لویدز لیست" از اول سپتامبر سال ۱۹۸۶ میلادی تا ماه اوت سال جاری ۱۱۸ کشتی بازرگانی و نفتکش در آبهای خلیج فارس هدف حمله هواپیماهای عراقی و جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. بالا گرفتن وضعیت بحرانی در خلیج فارس

افزایش نرخ بیمه را موجب شده است. در جریان "مانور شهادت" که دو هفته پیش توسط نیروهای دریایی پاسداران اسلامی در دریای عمان و خلیج فارس برگزار شد، بیش از ۵۰ نفت کش شرکت‌های مختلف نفتی از ورود به تنگه هرمز خودداری کردند.

دبیر کل سازمان ملل به تهران می‌رود

خبرنگاران گفت، روز جمعه گذشته (۲۲ مرداد) رجایی خراسانی سفیر ایران در سازمان ملل، طی تماس تلفنی با دبیر کل، خبر دعوت به ایران را به اطلاع وی رسانده است. تاریخ این سفر هنوز اعلام نشده است.

همچنین سفیر ایران در سازمان ملل چند روز قبل اعلام کرد که لاریجانی معاون وزیر امور خارجه ایران، طی هفته جاری وارد نیویورک خواهد شد. پیش از آنکه لاریجانی تهران را ترک گوید، روز شنبه ۲۱ مرداد، سفیر آلمان فدرال در تهران با ولایتی دیدار کرد و پیام‌ها نس دیتریش کنسر وزیر امور خارجه آلمان فدرال و رئیس‌فعلی شورای امنیت سازمان ملل را در اختیار وی گذاشت. قرار است لاریجانی هر سر راه خود به نیویورک در بین‌امقامات آلمان فدرال ملاقات کند.

روز شنبه طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق با ارسال نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل، از وی خواستار گردید که ایران را به اجرای قطعنامه شورای امنیت وادار سازد.

احتمال از سرگیری جنگ شهرها

جمهوری اسلامی، شهرهای دهوک، در بندیکان و العماد عراق را بمباران کرده بودند.

علاوه بر این، در منطقه دریایی نیز بر شدت تشنج افزوده گردید. اخبار مربوط به خلیج فارس همچون هفته‌های پیش در صدر گزارش‌های رسانه‌های جهان قرار داشت.

روز شنبه یک نفت‌کش لیبیایی که حامل مایعات شیمیایی بود در دریای عمان مورد حمله قرار گرفت. برخی از رسانه‌ها اعلام کردند حمله به این نفتکش توسط ناوچه‌های تندرو جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

به گزارش خبرگزاری رویتر، یک سخنگوی دبیر کل سازمان ملل روز دوشنبه ۲۶ مرداد اعلام کرد دخوایر برز دو کوئیار آماده است دعوت ایران برای بازدید از این کشور را بپذیرد به شرط آنکه چشم‌انداز نتیجه مثبت آن نمایان باشد.

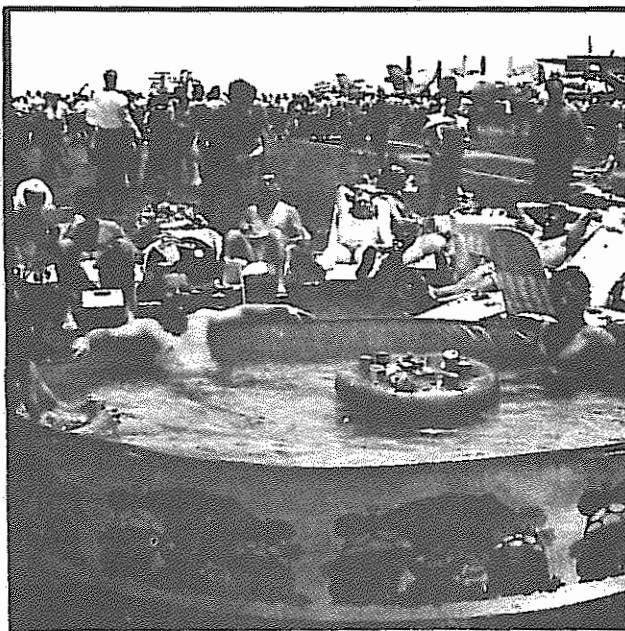
به نوشته روزنامه کیهان به نقل از خبرگزاری رویتر، سخنگوی مزبور گفت، این دعوت به طور شفاهی انجام گرفته و دبیر کل سازمان ملل در حال حاضر در انتظار تأیید رسمی و اعلام جزئیات آن است. وی تأکید کرد اگر بنا باشد سفر به تهران صورت گیرد، برز دو کوئیار باید ظرف ماه آینده آن را به انجام برساند، زیرا از روز ۲۴ شهریور (۱۵ سپتامبر) به بعد که مصادف با آغاز اجلاس سه‌ماهه مجمع عمومی سازمان ملل است، دو کوئیار معمولاً در طول این سه‌ماه نیویورک را ترک نمی‌کند. روز یکشنبه ۲۵ مرداد در سازمان ملل متحد اعلام شده بود که رژیم جمهوری اسلامی از برز دو کوئیار جهت سفر به تهران دعوت به عمل آورده است. سخنگوی دبیر کل در این باره به

در هفته گذشته حملات هوایی ایران و عراق به شهرهای یکدیگر، ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. در این حملات بیش از ۷ شهر ایران و چند شهر عراق هدف بمباران هوایی قرار گرفتند.

روز دوشنبه ۲۶ مرداد، سه واحد صنعتی در استان خوزستان بمباران شدند. در این بمباران خسارات سنگینی به واحدهای صنعتی وارد شد و تعدادی از کارگران آنها کشته و مجروح شدند. همین فجایع، در تهریز، آغاچاری و گچساران تکرار گردید.

جمهوری اسلامی به تلافی حملات هوایی عراق، تأسیسات اسکله‌های البکر، الامیه، بندرام القصر اطراف بصره، ابوالخلیف، زبیر، هرزگان و... را زیر آتش سنگین توپخانه قرار داد. به ادعای عراق، یک روز پیش از آن نیز مراکز مسکونی بصره و العزیز کلوله باران شدند.

به این ترتیب دور حملات متقابل آغاز شد. عراق نیز به بهانه پاسخ به اقدامات جمهوری اسلامی، روز پنجشنبه ۲۹ مرداد، منطقه اورمان در سردشت، یک روستا در حوالی مریوان و یک واحد کارگری در اراک را به شدت بمباران کرد. روزهای جمعه و شنبه نیز حمله هوایی به شهرهای کشورمان ادامه یافت. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، روز شنبه هواپیماهای عراقی به یک واحد صنعتی در بندرخمینی یورش بردند. ساعتی قبل از این حمله، هواپیماهای



خلبانان آمریکایی با آسودگی خاطر بر روی عرشه ناو هواپیمابر کانستلیشن در خلیج فارس حمام آفتاب می‌گیرند!

مذاکره احمد خمینی با آمریکایی‌ها در ژنو

میچکونه واکنشی صورت نگرفته است. در مطبوعات ایران نیز تا کنون خبری پیرامون این سفر و یا تکذیب آن درج نگردیده است.



به گزارش یک روزنامه سوسی احمد خمینی، سه شنبه ۲۰ مرداد همراه محافظین ۱۵ تن از مقامات با نفوذ و مورد اعتماد چهاران، به منظور انجام ماموریت ویژه‌ای وارد ژنو شد. این عده را دوماهیهای اختصاصی جمهوری اسلامی به سوی رستند و آنان در ژنو، در هتل "دورون" و هتل اینترکنتیننتال این شهر جهت پیگیری ماموریت خود، اقامت کردند. در میان کسانی که به محل اقامت احمد خمینی رفت و آمد می‌کردند یک افسر بازنشسته ایتالیایی نیز به چشم می‌خورد. منابع فرانسوی و سوسی از این افسر ایتالیایی و احمد رحیم زاده که از نزدیکان محسن رفیق دوست وزیر سیاه پاسداران است به عنوان ترتیب دهندگان برنامه سفر احمد خمینی به ژنو جهت مذاکره با فرستادگان دولت آمریکا یاد کرده‌اند.

روزنامه "لاسوس" چاپ ژنو با درج گزارش این سفر، نوشته است، احمد خمینی از طرف جمهوری اسلامی با یک گروه نماینده غیر رسمی آمریکا و مشاوران اسرائیلی آنان در مورد تجدید روابط آمریکا و جمهوری اسلامی، خرید اسلحه و امضای قراردادهایی مذاکره خواهد کرد. از طرف آمریکائیکان نسبت به سفر احمد خمینی به ژنو و اخبار منتشره در این مورد،

مرگ دیپلمات عربستان سعودی در تهران

آنان در تهران تحت بازداشت قرار گرفته‌اند و جمهوری اسلامی به هیچیک از آنان اجازه خروج نمی‌دهد. کاردار سفارت عربستان مدعی است در جریان یورش حزب الهی‌ها به داخل سفارت، همه اموال آن نابوده شده و با مهاجمین آنها راه عنوان غنیست پا خود برده‌اند.

از سوی دیگر روز دوشنبه ۲۶ مرداد رادیو تهران، گزارش داد که ساختمان جمهوری اسلامی در جده از روز یکشنبه توسط نیروهای مسلح سعودی به محاصره کامل درآمده و از رفت و آمد به داخل آن جلوگیری می‌شود و نمایندگان سیاسی نیز پس از بازرسی کامل حق ورود به کنسولگری را می‌یابند. بر اساس گزارش همین خبرگزاری، کلیه افرادی که روز شنبه قصد ورود به کنسولگری داشتند، بازداشت شده‌اند. همچنین اعلام شد که مقامات عربستان به کربوبی نماینده خمینی دستور دادند طی ۲۴ ساعت خاک این کشور را ترک گویند. رضایی سرپرست حجاج نیز بازداشت و از عربستان اخراج شد. وی صبح دوشنبه وارد تهران شد.

طی سه هفته، انتقال اجساد قربانیان جمعه خونین مکه به تهران ادامه داشته است. به تائید وحید دستجردی مدیر کل هلال احمر جمهوری اسلامی تا روز دوشنبه ۲۶ مرداد، ۴۱۲ تن از اجساد ایرانیان به تهران انتقال یافته‌اند. هنوز ۵۰ تن دیگر مفقود الاثر هستند.

مد اخله خمینی برای فرونشاندن اختلاف در میان فرماندهان کمیته‌ها

که خود جزو حجاج الاسلام و از منصوبین خمینی است بار دیگر با پشتیبانی وی در ست خود ابقا شد و به عنوان نماینده وی مورد تایید قرار گرفت. خمینی در پاسخ خود بر سابقه و نقش سراج الدین موسوی در تحکیم رژیم اسلامی تاکید کرد.

فرماندهان و مسئولین کمیته‌ها با نوشتن نامه‌ای به خمینی از وی خواستند نظر خود را نسبت به نماینده‌اش "در کمیته انقلاب اسلامی" اعلام کند. سراج الدین موسوی، فرمانده کل کمیته‌ها

چند هزار سال انتظار

برای دریافت کالا از تعاونی

جدولی که مشاهده می‌کنید، چگونگی توزیع کالا در تعاونیهای سراسر کشور میان اعضای آن و میزان سهمیه‌ای که در سال ۶۵ به تعاونیهای مصرف اختصاص یافته است را نشان می‌دهد. مطابق ارقام ارائه شده در این جدول، هر عضو تعاونی برای دستیابی به یکی از اقلام لوازم خانگی باید صدها سال به انتظار بنشیند. طول مدت نوبت انتظار بر اساس سهمیه‌ای که در سال ۶۵ به تعاونیهای مصرف سراسر کشور داده‌اند و به نسبت هر هزار عضو تعاونی که از میزان مشخصی سهمیه برخوردارند، محاسبه شده است.

ردیف	نوع کالا	تعداد کل سهمیه	میزان سهمیه به نسبت هر هزار نفر	مدت زمان لازم برای دریافت یک کالا
۱	بجالت	۴۰۹۶	۲۱۳	۲۳۴ سال
۲	تلویزیون سیاه و سفید	۸۵۷۹	۴۱۸	۲۰۸ سال
۳	سماور	۵۹۵۸	۳۱۳	۲۰۳ سال
۴	اتاق گاز فرور	۸۴۰۲	۴۱۷	۲۱۲ سال
۵	علامه‌بیس	۱۷۵۰۰	۹۱۷	۱۰۳ سال
۶	کولر	۱۰۴۲۴	۵۱۸	۱۷۲ سال
۷	رادیو	۸۲۱۰	۴۱۵	۲۲۲ سال
۸	آرپور	۴۳۰۰	۲۱۴	۴۱۶ سال
۹	لوش (بر حسب متر)	۳۶۹۳۳	۱۵۰ متر	۱۲ متر
۱۰	پنو	۵۵۷۸۸	۲۵۴	۸۰ سال
۱۱	ایگرمنک نفتی	۱۰۵۰	۰۶	۱۶۶۶ سال
۱۲	چسب	۵۳۲۴	۳	۳۳۳ سال
۱۳	سکه	۱۲۸۴۲	۷	۱۴۲ سال
۱۴	نظری نفتی	۳۳۳۹	۳۱۵	۲۸۵ سال
۱۵	تلویزیون رنگی	۱۲۸۹	۰۶۱	۱۴۰۸ سال
۱۶	سیندر گاز	۵۳۳۹	۲۱۹	۲۴۴ سال
۱۷	موتور گازی	۱۰۴۴	۰۵۸	۱۷۴ سال
۱۸	رادیو ضبط	۴۱۰	۰۲۳	۴۳۷ سال

بنابراین نوشته کیهان ۲۶ مرداد، آخرین آمار ارائه شده، حاکیست که تعداد تعاونیهای کل کشور تا پایان سال گذشته به مرز ۱۸ هزار رسیده که این تعاونیها با حدود ۹/۵ میلیون عضو، بیش از ۳۷/۵ میلیون نفر جمعیت را تحت پوشش خود قرار می‌دهند. طبق گزارش همین روزنامه، طی پنج ماهه اول سال جاری تقریباً هیچکدام از اقلام لوازم خانگی که در جدول فوق نیز اشاره شده، به تعاونیها اختصاص نیافته است. در صورت ادامه وضع فعلی، مدت انتظار برای دریافت هر یک از این کالاهای صدها هزار سال خواهد شد.

اتاق بازگانی چهار روز ارتخانه

دولت موسوی را بایکوت کرده است

"چرا تا کنون نه رادیو نه تلویزیون و نه روزنامه و نه مجله و نه یک منبری و نه یک و اعطونه یک وزیر و نه یک طلبه مدعی فقه و فقامت حتی یک چمنه هم در تاریخ پیدایش و سیر وجودی اتاق بازگانی در این کشور حرف نزده است که آیا این نهاد خادم است یا خائن؟ آیا باید لااقل مقداری از نطقها و کلامیه‌ها متوجه این اتاق باشد یا همه تقصیرها مال دولت... چرا هر چهار وزارتخانه رسماً امضا کرده‌اند و من (نماینده تهریز) مدرک کتبش را دارم که این اتاق انتخاباتش نامشروع است ولی مردم از این مساله خبر ندارند. آیا یک اتاق بایاید و چهار وزارتخانه را بکوبد و بایکوت نماید و دولت را خرد نماید این درست است."

مطلب فوق از سوی رضوی نماینده مجلس اسلامی در مصاحبه با روزنامه کیهان اظهار شده است.

ایران

حقوق بشر

صلح

بمنظور اعتراض علیه نقض حقوق بشر در ایران و عراق، از طرف انجمن طرفداران حقوق بشر اسپانیا گروهی با شکوهی در تاریخ ۸ ژوئیه (۱۷ تیر) "آتنه اودمادرید" تشکیل شد که جمع کثیری از اسپانیایی ها و ایرانیان مقیم اسپانیا در آن شرکت کردند. این گروهی مورد پشتیبانی بزرگترین تشکلهای کارگری اسپانیا یعنی کمیسیونهای کارگری ۵۵-۵۵ و اتحادیه عمومی کارگران U.G.T و حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست خلقهای اسپانیا، تشکیلات جوانان این دو حزب، جبهه خلق برای آزادی فلسطین (اسپانیا)، حزب کمونیست شیلی (اسپانیا)، کلوب دوستان یونسکو در اسپانیا، سازمانهای صلح دوست اسپانیایی و همچنین برخی از شخصیت های مبارز و نامدار این کشور قرار گرفت.

یکی از سخنرانان برجسته این گروهی، "لویس میگل" دبیرکل انجمن حقوق بشر اسپانیا بود. وی در بخش هایی از سخنان خود در باره نقض حقوق بشر در ایران چنین گفت:

"ایران کشوری است با بالاترین تعداد زندانیان سیاسی در جهان. این تعداد زندانی سیاسی حتی در دوران حکومت دیکتاتوری خونین شاه نیز وجود نداشته است... دستگیری ها تماماً توسط سپاه پاسداران - نیروی مطلق العنانی که در ذهن ما اروپایی ها بهاد آور

خاطره غم انگیز نیروهای پلیس دو آلبه دیکتاتورهای پستی می باشد - صورت می گیرند. دستگیر شدگان هلته ها و ماهها را در زندان می گذرانند بدون آنکه کوچکترین اطلاعاتی به خانواده هایشان داده شود. به آنها اجازه ملاقات با وکیل داده نمی شود. در زمانی که وجود زندان از عناصر پایه ای آن است، اعمال شکنجه شهره روزانه است."

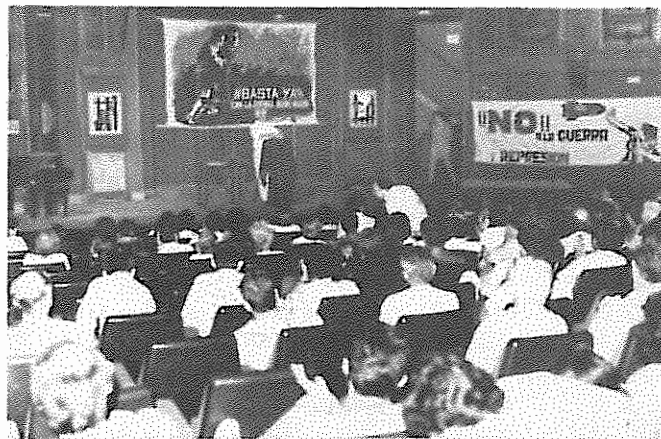
لویس میگل در قسمت دیگری از سخنان خود سیاستهای جنگ افروزان رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کرد. وی پیرامون روابط تسلیحاتی ایران و عراق با اسپانیا و اوضاع کنونی جنگ اظهار داشت:

"ایران و عراق در طول سال ۸۶ در مجموع ۲۰ هزار تن بمب از اسپانیا دریافت کرده اند، این معامله تجاری

از طریق شرکت های دولتی انجام گرفته است که از میان آنها می توان به کاسا، سانتا باربارا، اسپراترا و... اشاره کرد. محموله های اسلحه معمولاً از طریق بنادر بین باثو، سانتاندر، والنسیا و بارسلنا بارگیری می شوند. تنها از بند بارسلنا طی ماههای گذشته ۸ کشتی عازم آبهای خلیج شده اند... اکنون این جنگ در لحظات حساسی پیش می رود زیرا خطر بین المللی شدن آن وجود دارد. آمریکا تعداد کشتی های جنگی خود را در خلیج فارس افزایش داده است. هر حادثه ای می تواند نتایج تاسف باری را پدیدال داشته باشد."

در این گروهی دو هنرمند مترقی اسپانیایی "الیسارنا" و "خولیالئون" با اجرای ترانه هایی مراتب همبستگی جامعه هنرمندان اسپانیا و آمریکای لاتین را با خلقهای ایران در راه مبارزه برای صلح آزادی و دموکراسی اعلام داشتند. "ایندیوخوان" دوست ارجمند خلقهای ایران و شاعر برجسته آرژانتینی مجری برنامه بود و با دکلمه اشعاری از خود به شکوه جشن می افزود.

گروهی یادی شده در میان ابراز احساسات پر شور شرکت کنندگان در همبستگی با پیکار مردم ما پایان یافت.



در جشن ارگان مرکزی

حزب کمونیست اسپانیا:

به جنگ و اختناق در ایران پایان دهید!

مطابق سنت هر ساله در روزهای ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ ژوئن جشن سالانه نشریه "موندو ابرو" (دنیای کارگر) ارگان مرکزی حزب کمونیست اسپانیا با حضور ۷۰ هیئت نمایندگی از احزاب کمونیست و کارگری و نهضت های راهی بخش جهان در مادرید برگزار شد.

به دعوت حزب کمونیست اسپانیا فداییان خلق در این جشن شرکت کردند و به افشای سیاستهای چنایتکارانه رژیم خمینی در زمینه ادامه جنگ و سرکوب نیروهای ترقیخواه و نقض ابتدایی ترین اصول حقوق شناخته شده بشری پرداختند.

در دومین روز این جشن از سوی حزب کمونیست اسپانیا میتینگی در همبستگی با خلق های خاورمیانه منجمه، ایران برپا گردید. شرکت کنندگان در این میتینگ خواهان پایان دادن به جنگ و آزادی زندانیان سیاسی ایران شدند.

فداییان خلق در اسپانیا طی پیامی به این مراسم از همه نیروهای ترقیخواه خواستند فشرده تر و پرتوان تر دست در دست نیروهای مبارز ایرانی گذاشته، برای برقراری صلح میان ایران و عراق و نجات جان زندانیان سیاسی کشور مبارزه کنند.

امسال شعار مرکزی جشن ارگان مرکزی حزب کمونیست اسپانیا، هر چه نیرومندتر کردن جبهه متحد چپ در اسپانیا بود.

کمک های مالی رسیده

کمک مالی به خانواده زندانیان سیاسی ایران از آلمان فدرال ۱۰۰ مارک
"نینا" اترکیه ۱۵۰۰ لیر
"اولدوز" اترکیه ۲ دلار و ۶۰۰ لیر
س. الف اژهلند ۱۵ کیلدن
"ک" از لندن ۳۰ پوند
گروه رقص "ری پندان" از دانمارک ۱۵۰۰ کرون

۱۶ - انجمن دموکراتیک سراسری زنان هند

بلژیک

۱۷ - حزب کمونیست بلژیک

۱۸ - رئیس جنبش ضد نژادپرستی بلژیک

۱۹ - سازمان جوانان حزب کمونیست بلژیک

۲۰ - جنبش جوانان کمونیست بلژیک

۲۱ - حزب سوسیالیست شیلی - دانمارک

۲۲ - اتحادیه دانشجویان عرب - هرکول

۲۳ - زنان بکر، رئیس کمیته اروپایی آمریکای لاتین

جهان در همبستگی با...

بقیه از صفحه اول

۱۱ - راپیندراری روی، رئیس و نکشی نارایان،

دبیرکل فدراسیون سراسری دانشجویان هند

۱۲ - وینودچین، دبیرلیک سراسری جوانان هند

۱۳ - نیوییتال پاسو، دبیر فدراسیون دانشجویان هند

۱۴ - دبیر سازمان جوانان حزب لوک دال

۱۵ - فدراسیون ملی زنان هند

درباره تئوری و نقد مارکسیستی مذهب

از صفحه آخر

غیر علمی است، ارزیابی و محکوم می‌کند.

اما مارکس در "مقدمه" خود به وضوح نشان داد که از سطح آموزش بورژوازیی درباره آرمانها فراتر خواهد رفت. او مذهب را بمثابة ایدئولوژی بررسی می‌کند، اما نه مانند تئوریهای بورژوازیی درباره آرمان خواهی... "مقدمه" نامبرده نشانگر آن است که مارکس برای پیدایش مذهب، دلایلی جدی و عینی قائل بود. یک اسقف کلیسای انگلیس از مذهب بمثابة افیونی برای خلق سخن رانده بود. مارکس این فرمولندی را به "افیون خلق" تغییر داد تا بر مبنای آن، پیش‌ترود و این پرسش را طرح کند که چرا خلق به چنین افیونی نیاز داشت. بدین ترتیب از آنجا که بر مبنای اینگونه برخورد، روشن گردید که مذهب ریشه در پدیده‌های اجتماعی دارد، مارکس به نقد جامعه بعنوان مبنای نقد علمی مذهب رسید.

اما بگذارید کل مطلبی را که تا اینجا به تفسیر آن پرداختیم، یک بار در پیوند با هم نقل کنیم، "پایه نقد غیر مذهبی این است، انسان مذهب را می‌سازد... اما انسان، موجودی مجرد و خارج از جهان نشسته نیست. انسان یعنی جهان انسان." این جهان، مذهب را که آگاهی و آرزو نه درباره جهان است، ایجاد می‌کند، زیرا خود جهانی وارونه است. "مذهب، یک تئوری عمومی درباره این جهان... تقدیس اخلاقی آن، تکمیل پیرامون آن و پایه اساسی توجیه آن و دلاری دادن به انسانهاست. مذهب، تحقق خیالی ماهیت وجود انسانی است، چرا که وجود انسانی بطور واقعی تحقق نمی‌یابد. بنابراین این مبارزه علیه مذهب، بطور مستقیم مبارزه علیه آن جهانی است که مذهب، چاشنی ذهنی آن است. فقر مذهبی، از یک سو نشانه فقر واقعی، و از سوی دیگر اعتراض به فقر واقعی است. مذهب، ناله و جودی سرکوب شده، روح جهان سنگدل و ذهنیت شرایط فقر ذهنی است. مذهب، افیون خلق است.

محو مذهب به مقابله سعادت و هم آمیز خلق، ضرورت سعادت واقعی اوست. ضرورت زدودن تروم در پاره شرایط زندگی خلق، ضرورت زدودن شرایطی است که نیازمند تروم است. پس نقد مذهب، در هسته خود نقد جهانی است که مذهب، توجیه و تقدیس آن است. نقد مذهب انسان را از مذهب سرخورده می‌سازد تا انسان بیندیشد، عمل کند و به واقعیت شکل دهد...

پس این وظیفه تاریخی است که به دنبال محو ماورای آنچه حقیقی است، حقیقت آنچه زمینی است را تثبیت کند... بدین ترتیب نقد آسمان به نقد زمین تبدیل می‌گردد... (۱)

۲- علیه محدود کردن نقد مارکس از مذهب به "مقدمه ۱۸۴۳"

آثاری که بلافاصله پس از مقدمه مزبور نوشته شد، چه آثار چاپ شده و چه دستنویس‌ها (حداقل می‌توانیم از "خانواده مقدس"، "یادآنهاهی اقتصادی - فلسفی" و "ایدئولوژی آلمانی" شامل "تزمای فویرباخ" نام ببریم) حاوی عناصری مهم و پیش‌برنده در تئوری و نقد مارکسیستی مذهب هستند.

مارکس در "یادآنهاهی اقتصادی - فلسفی" ۴۴-۱۸۴۳، این تئوری را که مذهب شکل منسوخ شده و نادرست بازتاب واقعیت در ذهن است، تعمیق می‌بخشد. در شرایط مالکیت خصوصی هر ابزار تولید و تقسیم کار اجتماعی، آنچه بر فعالیت مولد و خلاق تولید کننده مستقیم و ثمره آن می‌گذرد، بدین ترتیب است، کارگر، توانایی، دانش، خصوصیات و هستی خود را به محصولات فعالیت خویش سرریز می‌کند. اما تقسیم کار در تولید، باعث می‌شود که او نتواند هیچ محصول کار را ساخته خود بداند. از این هم فراتر، محصول توسط مالک ابزار تولید تصاحب می‌شود. چنان‌که کارگر از توانایی‌های انسانی خلقت در پروسه کار و تهور این توانایی‌ها در محصول کار بدین ترتیب به از خود بیگانگی کارگر در مقابل کار خود و محصول آن تبدیل می‌شود. آنچه او، کارگر، ساخته است، در بازار به مثابه کالای سرمایه دار که او، کارگر را تحت سلطه خود می‌گیرد، در برابرش ظاهر می‌شود. این پدیده شبیه پدیده‌ای است که در ساختن پنت یا جسم پرستیدنی دیگری توسط انسانهای بدوی دیده می‌شود، این انسانها متعاقب می‌شوند که تحت سلطه حاصل فعالیت خودشان، یعنی پنت، قرار دارند. هم از این رو است که مارکس، بعدها در "سرمایه" این روند و وضعیت را دیگر نه از خود بیگانگی، بلکه فقیسیم کالایی نامید. (۲)

بدین ترتیب، مارکس مکانیزم بسیار مهمی را در پیدایش اینگونه اشکال ذهنیت، کشف کرد. در شرایطی که نام بردیم، آنچه مرتباً رخ می‌دهد، وارونه شدن عجیب تصورات انسانها در پاره شرایط واقعی زندگی اجتماعی‌شان، وارونه شدن عجیب رابطه میان علت و معلول است. مارکس در "یادآنهاهی" خود در این پاره می‌نویسد که فاعل، به عنصر منفعل تبدیل می‌شود. بگذارید برای روشن شدن مسئله، مثالهای شناخته شده‌ای ذکر کنیم، در آلمان فدرال چه شماری از مردم دیگر تناقض در کار برد معمول مفاهیم کارفرما و کاپدیر را احساس نمی‌کنند؟ در حقیقت چه کسی است که به دیگری نان می‌دهد؟ چه کسی در حقیقت تامین کننده نان و کار است؟ کارگران به سادگی می‌توانند بدون سرمایه داران زندگی کنند، اما

در مرحله معینی از بحث میان مارکسیست‌ها و مسیحیان، برخی تئوریسین‌ها که بعداً مارکسیسم را کنار گذاشتند، مانند روزه کارودی، ادعای کردند که باید کل گنجینه تئوری و نقد مارکسیستی مذهب را نمایاند و با "ساده‌کردن‌های دکماتیک" آن مقابله کرد. آنان چنین القا می‌کردند که گویا از دیدگاه مارکس و انگلس، مذهب بسیار پیش از آنکه شکلی از بازتاب نادرست واقعیت در ذهن باشد، گونه‌ای از اعتراض اجتماعی است. آنها بدین منظور، تئوری و نقد مارکسیستی مذهب را تقریباً تنها به احکام مندرج در اثر ۱۸۴۳ مارکس بنام "درباره نقد فلسفه حق هگل - مقدمه" البته با تعبیر نادرست خودشان - ونیز به بخشهای معینی از "جنگ دهقانی آلمان" اثر انگلس در سال ۱۸۵۰ محدود می‌کردند.

۱- موضع مارکس در قبال نقد مذهب در عصر روشنگری

نمی‌توان هیچ یک از مطالبی را که مارکس و انگلس در دواثر نامبرده نوشته‌اند، منتفی دانست. اما این دواثر برای ارائه کل گنجینه تئوری و نقد مارکسیستی مذهب کافی نیستند.

نخست باید گوشزد کرد که تئوری و نقد مارکس درباره مذهب پیش از اثر نامبرده آغاز شد. مارکس در آغاز به تصریح خود - البته با دیدی انتقادی - در موضع نقد بورژوازیی - روشنگرانه مذهب قرار داشت و بر خصلت ایدئولوژیکی مذهب انگشت می‌گذاشت. علاوه بر این، مارکس اندیشه تدوین شده از سوی فلاسفه قدیم یونان و فویرباخ را پذیرفته و بر این باور بود که این خدا نیست که انسان را مطابق با اصل خود آفریده، بلکه انسان خدا یان را بر ابرها بر اصل خویش ساخته و خدایان، آفریده انسانها یند.

بنابراین، مارکس تئور خصلت انسان وار بودن مذهب را می‌پذیرد، اما بلافاصله - در همان اثر "مقدمه" - تئور را با این مسئله همراه می‌سازد که این چه انسانهایی بودند که مذهب را ایجاد کردند و چرا چنین کردند. مارکس بدین پرسش، چنین پاسخ می‌دهد، انسانها از این رو مذهب را ساختند که شرایط اجتماعی‌شان غیر انسانی است. مذهب، تحقق خیالی ماهیت وجود انسانی است، چرا که تحقق واقعی و دنیوی این ماهیت، امکان ناپذیر می‌نماید. علت این امر آن است که سطح تکامل اجتماعی هنوز مانع شناخت همه جانبه و از این طریق تسلط بر شرایط زندگی انسان است، شرایطی که هنوز فقر ذهنی بر آن حکمرماست. و اما مذهب، ذهنیت این فقر ذهنی است. برخلاف آنچه روشنگران بورژوازیی گمان می‌کردند، نه مبارزه علیه مذهب، بلکه مبارزه علیه آن شرایطی که به گونه‌ای اجتناب ناپذیر به شکل‌گیری مذهب می‌انجامد، وظیفه اصلی است. باید از نقد مذهب پیش‌تر رفت و به نقد جامعه رسید.

با اینکه مارکس بدین ترتیب از سطح روشنگری بورژوازیی کام مهمی فراتر نهاد و فویرباخ را نیز پشت سر گذاشت، ناکافی خواهد بود اگر نقد مارکسیستی مذهب را بدین بخش از نوشته مارکس که بدون تردید بسیار مهم است، محدود کنیم. زمانی که این بخش را می‌نوشت، هنوز در اوج ستایش خود از فویرباخ بود و مطالعه اقتصاد سیاسی را آغاز نکرده بود. آنچه مارکس را به مطالعه اقتصاد سیاسی ترغیب کرد، تاثیر نوشته‌ای از انگلس جوان بود که بطور همزمان در همان شماره "سالنامه‌های آلمانی - فرانسوی" انتشار یافت که "مقدمه مارکس در آن چاپ شده بود. هنگامی که این نقد مذهب نوشته شد، مارکس و انگلس درست در گذار از دمرکراسی انقلابی به کمونیسم بودند.

با این حال، در همین "مقدمه" مارکس نیز اساسی‌ترین وجه تمایز تئوری و نقد مارکسیستی مذهب از روشنگری بورژوازیی نمایان می‌گردد. مارکس، تحت تاثیر دیالکتیک هگل و درک تاریخی شگرف خود حاضر نیست دو وجه متضاد را به صورت دو قطب در آورد و مقلد در قرون وسطی تنها تاریکی و در سرمایه داری تنها روشنایی را ببیند. مارکس، بدون آنکه در شناخت اهمیت پیشرفت تاریخی خطا کند، بدون آنکه چنان‌بوداری از انقلااب بورژوازیی - به مسئله مقابل فئودالیسم را رهاسازد، در همین "مقدمه" به مسئله تجزیه طبقاتی، از جمله تجزیه طبقاتی جامعه بورژوازیی نزدیک می‌شود، عامل محرکه اجتماعی در درون این مرحله مشخص از تکامل جامعه را جستجو می‌کند و در آستانه کشف رسالت تاریخی طبقه کارگر قرار می‌گیرد. با این حال، هنوز تئوری طبقات، مبارزه طبقاتی و انقلااب تدوین نشده بود.

در آن زمان هنوز آموزش مارکس درباره ایدئولوژی تحت تاثیر تئوری بورژوازیی - روشنگرانه آرمانها قرار داشت. مارکس هنوز ایدئولوژی را به وضوح در رابطه طبقاتی آن نمی‌دید و از این رو به اندازه کافی آن را در پیوند با پدیده‌های دیگر و موشکافانه بررسی نمی‌کرد. این امر از تکیه گاههای انتقاد امروزی از مارکسیسم است که بطور صوری به سبک نقد بورژوازیی - روشنگرانه ایدئولوژی برخورد می‌کند، اما در محتوی نه طبق ست ترقیخواهانه آن علیه فئودالیسم ارتجاعی، علیه سرمایه داری ارتجاعی شده بلکه علیه مارکسیسم انقلابی موضع می‌گیرد و مارکسیسم را به مثابه پدیده‌ای که گویا به علت ایدئولوژیکی بودن،

درباره تئوری و...

سرمايه داران بدون کارگران قادر به زندگی نیستند. و یا مثالی دیگر، چه تعدادی از مردم برای پول، اگر به اندازه کافی موجود باشد، نیروی اسرار آخیز قایلند که با آن می توان پول بیشتری ساخت؟ و یا چه شاری از انسانها می دانند که جنگها در تحلیل نهایی ریشه در انگیزه های مادی و اقتصادی دارند و نه در یک قانون طبیعی، نه در میل به تهاجمی که گویا خصلت ماهوی انسان است؟ در هر حال هر زمینه ای که نا آگاهی اینچنین درباره مهمترین شرایط زندگی اجتماعی ما، بر زمینه های از قوانین اقتصادی هرچ و هرچ ساز آن هر گونه برنامه ریزی را ناکام می سازند (به مصداق ضرب المثل آلمانی "انسان می اندیشد، اما رشته کارها دست خداست")، بطور اجتناب ناپذیر احساس ضعف، بی منطق و وارونه دیدن همه شرایط واقعی شکل می گیرد. دقیقاً همین است که یکی از ریشه های اجتماعی ایجاد احساسات و اندیشه های مذهبی است.

مارکس در این "یادداشتها" به یک رشته از سایر مسائل مربوط به مذهب می پردازد و بعنوان نمونه، با اثبات پطنان تصورات مذهبی در باره آفرینش، در عرصه شناخت دلایلی برای جان سخت بودن این تصورات نشان می دهد.

در "خانواده مقدس"، نخستین اثری که مارکس و انگلس به اتفاق هم نوشتند و اندکی پس از "یادداشتها" نگاشته شد، مارکس و انگلس نشان می دهند که نقد مکتب، خود بطور غیر مستقیم نقد مذهب محسوب می گردد، زیرا فلسفه مکتب، بازتاب برجسته شیوه مذهبی، یعنی مقابل هم قرار دادن خدا و جهان است. (۲)

مارکس و انگلس، پیوند میان سیاست انقلابی-بورژوازی و نقد ماتریالیستی مذهب را برقرار ساخته، نشان می دهند که سوسیالیسم تخیلی، که بنوبه خود از مهمترین منابع فکری مارکسیسم گردید، بر نقد ماتریالیستی مذهب استوار است. "انسان الزاماً نباید از تیز هوشی بسیار برخوردار باشد تا از آموزشهای ماتریالیسم در باره نیک سرشتی اولیه و استعداد فکری برابر انسانها، درباره قدرت بی حد و حصر تجربه، عادت و تربیت و با تاثیر شرایط خارجی بر انسان، اهمیت زیاد صنعت، حق لذت بردن از زندگی و غیره، رابطه ضروری آن را با کمونیسم و سوسیالیسم دریابد. اگر انسان، از جهان حواس و از تجربه خود در جهان حواس است که هر چه شناخت و تجارب و غیره دارد، می گیرد، پس باید جهان محسوس را از جهان ساختگی انسان در آن، آنچه را که واقعاً انسانی است تجربه و بداند عادت کند، که انسان خود را بعنوان انسان دریابد.

اگر مصلحت واقعی، اساس هر گونه اخلاق است، پس باید منفعت شخصی انسان بر منفعت انسانی منطبق باشد. اگر انسان، دستخوش جبر به مفهوم ماتریالیستی آن است، یعنی به عبارت دیگر صاحب اختیار است - اختیار نه به معنای نیروی منفی اجتناب از این یا آن کار، بلکه به معنای قدرت اثباتی به تحقق رساندن فردیت واقعی خود - پس نباید کفره جنایت را از فرد خواست، بلکه باید زادگاههای ضد اجتماعی جنایت را ناپدید و همگان را از حیطه اجتماعی لازم برای شکوفان شدن زندگی برخوردار کرد. اگر انسان را شرایط می سازد پس باید شرایط را انسانی ساخت. اگر انسان بنابر طبیعت خود، اجتماعی است، پس تنها در جامعه است که طبیعت واقعی خود را تکامل می بخشد، و توان طبیعت او را نه در قدرت فرد جداگانه، بلکه در قدرت جامعه باید سنجید. (۴)

در آثار ماتریالیستهای فرانسوی نیز تقریباً کلمه به کلمه همین حملات دیده می شود. مارکس می افزاید که نمی خواهد در اثر نامبرده خود، به ارزیابی این نظرات بپردازد، بلکه تنها قصد دارد گرایش سوسیالیستی این ماتریالیسم را نشان دهد.

"فرهنگی اساس اندیشه خود را مستقیماً برآموزش ماتریالیستهای فرانسوی استوار می سازد. باور به پستی ها منور ماتریالیستهای خام و بی تمدن بودند، اما کمونیسم پیشرفته نیز مستقیماً از ماتریالیسم فرانسوی ریشه می گیرد. (۵)

در "ایدئولوژی آلمانی" نخستین کوشش برای تدوین برداشت ماتریالیستی از تاریخ به عمل می آید. در این رابطه، تئوری و نقد مذهب با هم تکامل می یابد. نشان داده می شود که مذهب، جزئی از روینای ایدئولوژیک سیاسی است، و برخی دیگر از ریشه های آن در عرصه شناخت، کشف می گردد. مارکس و انگلس خاطرنشان می سازند که شعور فردی، می تواند حرکت خود را از سه نقطه آغاز کند، رابطه فرد با طبیعت، روابط افراد با یکدیگر، نظرات فرد درباره اجزای متشکله وجود خود. هر یک از این روابط، می تواند یکی از ریشه های احساسی تصورات مذهبی باشد.

در هر سه نوع رابطه نامبرده، امکان دارد که عناصری مهم، به نظر انسان ناروشن، رموز، اسرار آمیز، مسلط بر وجود انسان و روند زندگی او و چیره بر وجود او بنماید. نیاز به پناهجویی مذهبی نیز ریشه در همین دارد و در ارتباط با رابطه غیر علمی و نیز خود محور بینانه انسان با شرایط طبیعی موجودیت او است. مارکس و انگلس همچنین می افزایند که یک ریشه دیگر مذهب را در عرصه شناخت، مطلق کردن روح فرد واقعی که وابسته به موجودیت مادی فرد است، و ساختن و پیراختن روحی مستقل و دارای موجودیت عینی، تشکیل می دهد.

بدیهی است ریشه های شناختی نامبرده و موثر در شکل گیری احساسات و افکار مذهبی، پیش از پیدایش طبقات و مبارزات طبقاتی بوجود آمده اند. بدین

ترتیب، مذهب دارای ریشه هایی است که پیش از جامعه طبقاتی ایجاد شده اند. بنابراین، در حالیکه پیدایش احساسات مذهبی، دلایلی دارد که در آغاز، ربطی به ایجاد جامعه طبقاتی ندارند، با پیدایش جامعه طبقاتی، محرکهای اجتماعی برای تثبیت مذهب و نهادی شدن آن شکل می گیرند. آنچه قابل مشاهده است، اینست که مذهب به دلایل برخی خواص معین خود، نسبتاً به سادگی در خدمت اهداف محافظه کارانه و حتی ارتجاعی قرار می گیرد.

۳- دلایلی در تبیین خصلت اجتماعی مذهب

چرا چنین است؟ این امر در وهله اول به شکل گیری تقسیم اجتماعی کار مربوط است که مارکس و انگلس در همان "ایدئولوژی آلمانی" مختصراً بدان پرداخته اند. تقسیم کار به کار پیدی و کار فکری، همراه با قرار گرفتن روحانیون در زمره کارکنان فکری و کره خوردن کار فکری با طبقه فوقانی، نهادهای مذهب و کارگران آن را با طبقات حاکم پیوند می دهد.

از این امر، این نتیجه عاید می گردد که جنبه های ارتجاعی، و یا حداقل محافظه کارانه نهادهای مذهبی، تا محو تقسیم کار و تجزیه طبقاتی نامبرده، به وجود خود ادامه خواهند داد.

اما علاوه بر این، حداقل یک علت دیگر نیز که ریشه در علت نخست دارد، بر این دلالت دارد که خود مذهب، و نه تنها شکل نهادهای آن، می تواند به سادگی مورد استفاده محافظه کارانه و یا حتی ارتجاعی قرار گیرد. قائل شدن ارزش برتر برای عنصر معنوی در مقابل عنصر مادی و واقعی که ناشی از تقسیم کار نامبرده در بالاست، در خدمت توجیه و لایوشانی فلاکت زمینی یا اشاره به اصول اخروی - معنوی والا تر و غیره، قرار می گیرد.

نتیجه آنکه اولاً نمی توان از خصلت اولیه به لحاظ طبقاتی بی طرف مذهب سخن گفت. همیشه باید در پی یافتن این بود که کدام نیروهای اجتماعی با کدام اهداف، مذهب را به کار می گیرند.

از این رو است که مذهب برای معکوس کردن ست جنبش های اجتماعی انقلابی مورد استفاده قرار گرفته است. چنین به انحراف کشاندنی، می تواند افسانه سربازی درباره بهشتی باشد که در آغاز وجود داشت و از دست رفته و دیگر در این دنیا دست یافتنی نیست.

اما همین جا، محرکهایی نیز وجود دارند که علیه سو استفاده از مذهب عمل کرده اند، "وقتی آدم شخم می زند و حواش ریزی می کرد، اشراف کجا بودند؟" این جمله معروف (در جنبش دهقانی) نمونه بارز استفاده آگاهانه از مذهب در استدلال تاریخی است.

اما این جنبش اجتماعی انقلابی، ریشه در یک ایده و یا ضد ایده، ریشه در مذهب ندارد. مارکس از سال ۱۸۴۲ به بعد همواره تأکید کرده است در ورای مناقشات مذهبی، مبارزات طبقاتی عمل کرده اند. ماتریالیسم مارکسیستی، به حق بر اولویت مناسبات مادی و نه ایدئولوژیک، تأکید می کند.

با تبیین خصلت روینایی مذهب، ضرورت ترسیم دقیق تر کارکرد مذهب در چارچوب این روینا مطرح گردید. مارکس در سال ۱۸۴۷، هنگامی که "اصول اجتماعی" مسیحیت را به بحث می کشید، بدین وظیفه پاسخ داد، "اصول اجتماعی مسیحیت تاکنون برای تکامل خویش هجده قرن فرصت داشته اند و دیگر ضرورتی برای ادامه تکامل آنها وجود ندارد. ...

اصول اجتماعی مسیحیت، برده داری دوران پاستان را توجیه و نظام رعیتی قرون وسطایی را تقدیس کرده اند و در ضرورت لزوم، قادرند از ستم بر پروتستانتها، اگر چه با چهره ای معیوم، دفاع کنند.

اصول اجتماعی مسیحیت، ضرورت وجود طبقات حاکم و محکوم را موعظه می کنند و برای طبقه محکوم، تنها این آرزوی مومنانه را دارند که طبقه حاکم، نیکوکاری پیشه کند.

اصول اجتماعی مسیحیت، ... جبران همه ناپساامانیها را به آسمان ارجاع می دهند و بدین گونه، ادامه حیات این ناپساامانیها بر روی زمین را توجیه می کنند. اصول اجتماعی مسیحیت، همه پستی های ستمگران علیه ستمکشان را یا کفر عادلانه گناهان به ارث رسیده و سایر گناهان می نامند و یا آزمونی که برورد کار مطابق با داریت نامحدودش، بر ستمکاران روا می دارد.

اصول اجتماعی مسیحیت، موعظه گر چهر، فقدان اعتماد به نفس، حقارت، چاکرمنشی، خاکساری و بطور خلاصه همه خصوصیات حلقه پوکشان است. اما پروتستانتها که نمی خواهد حلقه پوکش باشد، به شجاعت خود، به اعتماد به نفس خود، به غرور خود و به احساس استقلال خود از زنان شب هم محتاج تر است. (۶)

اصول اجتماعی مسیحیت، منادی زبونی اند. اما پروتستانتها، انقلابی است. به عبارت دیگر، مارکس و انگلس، کارکرد طبقاتی مذهب را در این می دیدند که با ابزارهای ایدئولوژیک، برای طبقات حاکم آنچه را با استفاده از قهر عریان دست یافتنی نیست، تحقق پذیر سازد. شعوری به گمراه رفته، می بایست زحمتکشان را گمراه سازد و از مبارزه برحذر دارد، امید هستن به آخرت، قربانیان استثمار و ستم را صبر بخشد.

"مانیفست حزب کمونیست"، تبیین تئوریک مسئله مذهب را پیش تر می برد، مخالفان مسیحی مارکسیسم و فلاسفه ایده آلیست به مارکسیستها خرده

درباره تمایز میان طبیعت پیرامونش و خود او، وجود نداشت. تنها در مرحله بسیار عالی‌تری از تکامل اجتماعی در چارچوب جامعه اولیه بود که چیزی شبیه به آگاهی درباره عدم یگانگی کامل انسان و طبیعت پدیدار شد. تنها در این مرحله بود که بشر توانست با اشیا و پدیده‌های خارج از خود، وارد مناسبات "آگاهانه" شود. پیش از آن، نه اشکال مذهبی و نه اشکال علمی "بازتاب‌های ذهنی" نمی‌توانست وجود داشته باشد.

با ایجاد شرایط برقراری روابط آگاهانه با محیط پیرامون، نخست طبیعت نیرومندتر، قدرتی اسرارآمیز قلمداد گردید که می‌بایست با خواش و تمنا، قربانی دادن و اعمال دعاگونه آن راه خدمت پسر گرفت. آئین‌های طبیعی ایجاد شدند. خودنگری انسان و پدیده‌های رویا و خلسه مانند، احتمالاً مبنایی برای شکل‌گیری تصورات درباره روح بوده‌اند. قوای قهریه طبیعت، بگونه‌ای انسان‌واره، زنده و دارای روح به‌تصور می‌آیند. شاید برق، باد، آتش و آب نیز همانگونه که ما با قصد عمل می‌کنیم، "عمل" می‌کنند. روشن است که تصورات مذهبی شکل گرفته بر این پایه ریشه در شناخت ناکافی از طبیعت دارد. (۸)

اینجاست که با شکل‌گیری جامعه طبقاتی، عامل مهم نوینی اضافه می‌شود. استثمارگران و استثمارگران حاکم، در این زمینه‌دیده که برای موقعیت ممتاز خود، توجیه مذهبی بترانند. آنها بدین منظور، اصل و نسب خود را تاجیه مذهبی امتداد می‌دادند، قدرتمندان، فرزندان خدایان شدند. حکومت، از محرک مذهبی برخوردار می‌گردد، و انقلاب به جنبات علیه مذهب تبدیل می‌گردد. مناسبات موجود اجتماعی، با رجعت دادن به خلقت و حکمت آفرینش توجیه می‌شدند، و خواست خلق برای آزادی، در بهترین حالت، مسخ شده و به انتظار کشیدن برای آخرت تبدیل می‌شد. بدین‌گونه، شرایط مختلفی باعث شدند که باور به نیروهای مذهبی، از ریشه‌های عمیق ذهنی و اجتماعی برخوردار شد و تکامل یافت.

۵- تولید کالایی، سرمایه داری و مذهب

با پیدایش تولید کالایی، بر ریشه‌های اجتماعی مذهب افزوده می‌گردد. تولید کالایی، به پیدایش پدیده‌هایی به مثبته درجه "الهی" می‌انجامد. تحلیل کالا، نشانگر آن است که کالا، شیئی بسیار ناپاکاری است، "پراز زیرکی‌های متافیزیکی و حقه‌های الهی".

تا جایی که کالا، ارزش مصرف است، هیچ چیز معنایی در آن وجود ندارد، خواه از این نقطه‌نظر که با خواص خود، نیازهای بشری را ارضا می‌کند و خواه از این زاویه که بدین خواص تنها به مثابه محصول کار انسانی می‌رسد، "کاملاً روشن است که بشر، با فعالیت خود، اشکال مواد طبیعی را به گونه‌ای که برای خود اومفید است، تغییر می‌دهد." (۹)

با این حال، کالا خصلتی مرموز به خود می‌گیرد. با اینکه کالا، چیزی جز محصول کار مفید انسانی نیست، اما مانند غول معروف چراغ جادو، به ارباب ما، به ارباب خالق خود تبدیل می‌شود. چگونه این امر بوقوع می‌پیوندد؟

"تساوی کارهای انسانی، شکل واقعی برابری بین شیلته ارزشی محصولات کار به خود می‌گیرد و اندازه‌گیری مصرف نیروی کار انسانی بوسیله زمان، صورت مقدار ارزشی محصولات کار را می‌یابد. و بالاخره، مناسبات تولیدکنندگان که بر طبق آن، هدف اجتماعی کارهای آنان معلوم می‌گردد، به شکل رابطه اجتماعی محصولات کار درمی‌آید.

پس صفت اسرارآمیز شکل کالا فقط در این کیفیت است که شکل مرموز، خصلت اجتماعی کار بشر را در نظر انسان به شکل صفت مادی محصولات کار و خواص اجتماعی ذاتی خود این اشیا، منعکس می‌سازد، و به همین جهت نیز رابطه اجتماعی تولیدکنندگان را با مجموع کار به صورت یک رابطه اجتماعی که خارج از ایشان و بین خود اشیا وجود دارد، نمایش می‌دهد. با این چشم‌بندی است که محصولات کار بدل به کالا می‌شوند و در عین محسوس بودن، غیر ملموس می‌گردند یعنی به صورت اشیا اجتماعی درمی‌آیند." (۱۰) هرگاه ما با چشم‌های خود و با استفاده از طبیعت نور، به جهان پیرامون خود نگاه کنیم، آنچه در واقع روی می‌دهد، این است که نور از یک شیئی، یعنی جسم خارجی، به شیئی دیگر، یعنی چشم، می‌تابد. این، یک رابطه فیزیکی بین اشیا فیزیکی است. "اما بر عکس، شکل کالا و رابطه ارزش محصولات کار، به هیچ وجه دخلی به ماهیت فیزیکی آنها و ارتباطات شیئی‌ای و خارجی‌ای که از آن ناشی می‌گردد، ندارد. تنها رابطه اجتماعی مشخص خود انسان‌هاست که در این مورد به شکل و هم‌آمیز، رابطه بین اشیا جلوه می‌کند. برای بافتن نظیر این مورد، باید در مناطق مه‌آلود جهان مذهبی به پرواز درآییم. آنجا نیز چنین به نظر می‌آید که محصولات دماغ انسانی زندگی خاصی یافته، همچون چهره‌های مستقلی بین خود و با انسان در رابطه قرار گرفته‌اند." (۱۱)

در جهان کالاهای که به دست خود ماساخته شده است نیز چنین است، محصولات کار ما با خود نوعی خصوصیت فقیته (هت‌گونه) یکدک می‌کنند که به مض تولید آنها به مثابه کالا، ایجاد می‌گردد. این خصلت فقیته، از تولید کالایی جدایی‌ناپذیر است.

"این فقیته‌یسم جهان کالا از خاصیت اجتماعی مخصوص کارناشی می‌گردد که خود مولد کالاست..." (۱۲)

نامفهوم بودن مناسبات اجتماعی‌ای که در چارچوب آن، اشیا مانند انسانها

می‌گرفتند که مذهب نمی‌تواند روپنایی باشد، چرا که نه تنها در سرمایه داری، بلکه در سایر نظامهای اجتماعی وجود دارد و از این رو از خصلت ابدی برخوردار است. مارکس و انگلس بدین خرده‌گیری چنین پاسخ می‌دادند: "این ادعا در چه چیز خلاصه می‌شود؟ سراسر تاریخ جامع تاکنون، در چارچوب تضادهای طبقاتی سیر کرده است که در عصرهای مختلف، اشکال مختلف به خود گرفته‌اند.

اما صرف‌نظر از هر شکلی که این تضادها به خود گرفته‌اند، استثمار بخشی از جامعه توسط دیگری، وجه مشترک همه قرون گذشته بوده است. بنابر این، جای تعجب نیست که شعور اجتماعی همه قرون، علیرغم همه تنوع و گوناگونی آن، دارای برخی اشکال معین مشترک است، اشکال معینی از شعور که تنها با محور کامل تضاد طبقاتی از بین می‌روند.

انقلاب کمونیستی، ریشه‌ای‌ترین گسست از همه مناسبات به ارث رسیده مالکیت است. پس جای تعجب نیست که در روند تکامل این انقلاب، ریشه‌ای‌ترین گسست از افکار به ارث رسیده، صورت می‌پذیرد." (۷)

۴- درباره تغییر شکل تاریخی مذهب

می‌دانیم که مارکس و انگلس بعدها بر پایه تحقیقات تازه‌تر تاریخی، بی‌برندند که پیش از جامعه طبقاتی، جامعه کمونی و بی‌طبقه اولیه وجود داشته است. از این رو، همانگونه که خود نوشته‌اند، اصلاحی در "مانیفست کمونیستی" ضروری است، اصلاحی که به شکل و نه به محتوای استدلالی که نقل کردیم، مربوط می‌شود. آنچه در این استدلال مهم است، این اندیشه است که همه جوامع طبقاتی که در آنها استثمار و ستم وجود دارند، مستقل از تغییر شکل استثمار و ستم، باید ضرورتاً اشکال روپنایی ایدئولوژیک-سیاسی مناسب برای نظام استثمار و ستم را ایجاد کنند. یکی از این اشکال روپنا، مذهب بوده و هست.

بنابر این، اگر چه مذهب، در رابطه با هر جامعه معین طبقاتی، تغییر شکل معینی را از سر گذرانده است، بگونه‌ای که کاتولیسیسم سازمان یافته، مسیحیت دوران فئودالی تاریخ بشری و پروتستانسیسم، مشخصه گذار مسیحیت به مرحله بورژوازی تکامل تاریخ است، اما در همه این نظام‌های اجتماعی، خود مذهب، یعنی شکلی از بازتاب نادروست واقعیت در ذهن با کارکرد ایدئولوژیک - اجتماعی نامبرده در بالا، عمومیت دارد. بدین ترتیب مذهب در هر مرحله از تکامل اجتماعی هم حاوی عناصر عام و هم دربرگیرنده عناصر خاص است.

مذهب، در جامعه طبقاتی تحول می‌یابد و اشکال مشخص بروز آن، بر زمینه مبارزات طبقات استوار است. این، بدان معنی است که نه تنها طبقات استثمارگر و استثمارگران حاکم، بلکه همچنین طبقات انقلابی، تا جایی که از برابری مذهبی سود جسته‌اند، در شکل‌دادن به محتوای مذهب، سهم بوده‌اند. از این رو، مذهب مسیحی به علت دوران اولیه‌اش که به میزان زیادی مذهب بردگان و تهیدستان بود، از لحاظ محتوای علاوه بر مهر و نشان، نه‌های فئودالی که بر خود دارد، برخی آرزوهای امیدهای توده‌های برده را که زندگی پستی را جستجو می‌کردند، در برمی‌گیرد. اگر چه این عناصر محتوایی، بعدها مسخ شده و به صورت امید بستن به آخرت درآمد، اما همین عناصر پیوسته نقطه انگیزی برای نیروهای مبارز انقلابی بوده است که اصطلاحات و شعارهای خود را از کتب مسیحی گرفته‌اند.

دهقانان انقلابی فرانسه، انگلیس، آلمان و روسیه، همگی پرنامه خود را بر پایه مطالبات عدالت‌جویانه و مواعید مساوات خواهانه اولیه مسیحی بیان می‌داشتند.

فریدریش انگلس، این نکته را بویژه در آثار خود پیرامون جنگ دهقانی آلمان و تاریخ دوران اولیه مسیحیت، به اندازه کافی به وضوح تشریح کرده است. کارودی و برخی دیگر، با علاقه زیادی به این بخشها از آثار فریدریش انگلس استناد کرده‌اند. اما آنها فراموش می‌کنند بیافزایند که پدیده‌های توصیف شده در این آثار، نه از ماهیت مذهب، بلکه از این واقعیت نشأت می‌گیرند که در جامعه طبقاتی، مذهب نمی‌تواند بدون از طبقات درگیر مبارزه و خواسته‌های آنها تحول یابد.

پس از آنکه ماهیت مذهب روشن شد، مارکس و انگلس در سالیهای بعد وظیفه اصلی خود را در این می‌دیدند که ریشه تاریخی مذهب را از دیدگاه ماتریالیسم تاریخی دقیق تر توضیح دهند.

می‌دانیم که تئوری و جامعه‌شناسی بورژوازی مذهب و مدافعان مذهب همگی می‌کوشند چنین القا کنند که مذهب همواره وجود داشته و خواهد داشت، چرا که گویا ریشه در دینی‌ترین هسته وجود انسان دارد. علاوه بر تغییر شکل تاریخی مذهب، دلایل دیگری نیز نادروستی این ادعا را اثبات می‌کنند.

احساس و اندیشه انسانهای اولیه، در آغاز صرفاً در چارچوب شعوری شکل می‌گرفت که متناسب با شرایط تولیدی تنگ، کوچک و از این رو "قابل فهم" و کاملاً روشن آنها بود. امکانی برای این وجود نداشت که این احساس و اندیشه ابتدایی بتواند از مشغولیات مستقیم خود رهاگشته و به محیط محسوس وسیع‌تری کام نهد. از این گذشته، جنگ بقا وقتی هم برای خیال‌پردازی و داستانسرایی مذهبی باقی نمی‌گذاشت. هر مناقشه‌ای میان منافع فردی و جمعی، کشنده بود، آن هم نه تنها برای فرد، بلکه برای کل قبیله که به تک‌تک اعضای خود نیاز داشت.

در آن زمان، پسر هنوز کاملاً با طبیعت یگانه بود و در او هیچگونه شعوری

درباره تئوری و...

و انسانها مانند اشیا عمل می کنند. مناسباتی که در آن، به نظر می رسد اشیا، اشیائی که در اصل توسط خود انسانها ساخته شده اند، بر انسانها حاکمند، نظیر شناخت ناکافی از قوانین حرکت طبیعت در ادوار کهن به احساس ضعف می انجامد. در دوران باستان، انسانها می کوشیدند با این احساس ضعف از طریق نسبت دادن خصوصیات فوق نیرومند به پت ها و خدا یا ان خود ساخته مقابله کنند، و بالاخره مخلوقات خود را آقا یا ان خود و خود را مخلوقات آنها می گرفتند. در چایی که تولید کالایی به شکل عمومی تولید تبدیل شود، نه تنها ساخته های انسان در برابر انسان مولد به صورت چیزی بیگانه ظاهر می گردد، بلکه خود فعالیت انسانی، ذات انسان، در قبال او مستقل می گردد و او را از روند زندگی واقعی اش، از کار مولد و خلق بیگانه می سازد. در شعور بسیاری از مردم، مناسبات اجتماعی ایجاد شده توسط انسانها به مثابه محصول طبیعت و امری زایل نشدنی می نماید، و بدین گونه احساس ضعف و پندارهای غیرواقعی می آفریند، احساسات و پندارهایی که بنوبه خود به روحیه مذهبی و اندیشه های مذهبی دامن می زنند.

هر کس گمان می کند که مستقل به تولید اشتغال دارد. در این میان آنچه پنهان می ماند، مناسبات اجتماعی است... جای تعجب نیست که در مرحله واپسین حاکمیت بورژوازی، مبارزه ای دقیقاً علیه تفکر و رفتار عقلایی، در پیش گرفته می شود. فلسفه ای مانند دیلتی، ماکس وبر و غیره به مخالفت با "قابل محاسبه بودن" عقل ما و عقلایی بودن پدیده ها، و دفاع از شیوه های غیرعقلایی شناخت برخاسته اند.

۶- فلسفه ایده آلیستی و مذهب

در این رابطه باید بر تفاوت عمده ای که علیرغم برابری اصولی فلسفه ایده آلیستی و مذهب در عرصه جهان بینی، بین این دو وجود دارد، تأکید کرد. فلسفه، شکل آگاهانه جهان بینی است. پت های اولیه، صورت مجرد و مفهوم به خود می گیرند، تثبیت، الهه دریا، جای خود را به مفهوم رطوبت، به آب می دهد که یکی از اصول اولیه طالس است. شعور انسانی، به ایده عینی تبدیل می شود. اما مذهب (برخلاف الهیات) باید در درونی ترین هسته خود، در برابر چنین "مفهوم شدن" مقاومت کند و رابطه با پت گونه های مشخص فاقد عقلانیت را با پت رانگه دارد. خدا، به مثابه اندیشه مجرد عینی، برای توده ها حرفی برای زدن ندارد و هیچ یک از نیازهای مذهبی آنها را برآورده نمی سازد. همانگونه که انگلس کاملاً به درستی خاطر نشان می سازد (۱۲)، روایت هگل درباره آفرینش جهان، بسیاری پیچیده تر از تاریخ آفرینش انجیل است و برای روحیه مذهبی توده ها، برای آماجگی آنها جهت پذیرش تصورات غیرعقلایی که ریشه اجتماعی دارد، مناسب نیست. مذهب، نیازمند تصاویر پت گونه است، عیسی، مریم، حواریون، خدا به مثابه چهره پدری. همه تلاشهای "امروزی" برای محو این پت گونه ها، به گونه ای که وجود خدا دیگر در مکان و زمان به مثابه یک امر مشخص باشد، شاید به درد شیعده بازپهای تلوریک بخورند، اما برای توده ها قابل هضم نیستند. این است یکی از بحرانهای واقعی و زایل نشدنی مذهب، و به عبارت دقیق تر، الهیات.

این بحران، از دیدگاه تئوری شناخت، در تحلیل نهایی ریشه در تضاد میان اشکال عقلایی و غیرعقلایی با زتاب جهان در ذهن دارد. از این رو برخی خداشناس "مدون"، اگر چه می توانند با تلاش خود برای ساختن الهیاتی بدون تصورات پت گونه، تأخیر معینی در میان روشنفکران خرده بورژوا داشته باشند، اما هیچگونه نفوذی در روحیه مذهبی توده های وسیع تر ندارند، و اگر هم تأثیری دارند، منفی است، توده ها آن را رد می کنند...

۷- پیشرفت علمی-فنی به معنای زوال خود بخودی مذهب نیست

در سطور بالا شرایط اجتماعی پیدایش روحيات و تفكرات غیرعقلایی را که ریشه در تولید کالایی و سرمایه داری دارند، تشریح کردیم. در اینجا باید با تأکید با نظری مقابله کنیم که گاه نزد مارکسیستها نیز دیده می شود. این نظر می گوید مذهب بر اثر دگرگونی علمی-فنی، بر اثر سکولاریزاسیون، بر اثر روندهایی که ما در جای دیگر و در رابطه دیگر، تشریح کردیم، خود بخود زوال خواهد یافت. بسیاری گمان می کنند رفتار غیرمسیحی توده های گسترده کارگران، تأییدی بر این نظر است. اما اگر چنین باشد، تلوری مارکسیستی مذهب نادرست است. فراموش نکنیم که طبق برداشت مارکسیستی، ریشه های مذهب در تحلیل نهایی از نوع معنوی و فکری نیستند. با زتاب نادرست جهان در ذهن به صورت مذهب، ریشه های مادی اجتماعی دارد. پیش از دستیابی به آن شرایط اجتماعی که به انسان امکان دهد دایره شرایط اجتماعی را که اکنون بر او تسلط دارند، شناخته و تحت کنترل گیرد، نمی توان از زوال واقعی مذهب سخن گفت. تنها زمانی که انسانها با آگاهی کامل به ساختن تاریخ خود بپردازند، تنها زمانی که به تعبیر انگلس، علل اجتماعی فعال شده توسط انسانها عمدتاً و به میزان فزاینده ای به تأثیرات مورد نظر انسانها بیانجامد (۱۴)، تنها زمانی که انسانها روابط میان علت و معلول، تأثیرگذار و تأثیرپذیر را به درستی و نیز رابطه ای طبیعی با آن مسائلی بیابند که نزد بسیاری از مردم، نیاز غیرعقلایی پناه جستن را می آفریند، مذهب زوال خواهد یافت. آنچه ما اکنون با آن سروکار داریم و در کشورهای رشد یافته سرمایه داری

می تواند به صورت نوعی و لنگاری ایدئولوژیک بروز یابد، کاملاً به معنای گذار از مذهب مسیحی به سایر اشکال مذهب است. خرافات توده گیر، از خرافات شرکت کننده در بخت آزمایی هفتگی گرفته تا توده خوانندگان نشریات فال، تنها اشکالی نیستند که می توان نام برد. یک شکل "علمی کردن" شعور توده ای، ایجاد مستقیم اشکال مذهب با پوشش شبه علمی است که هم اکنون شاهد آنیم...

۸- راه زوال مذهب

مارکس و انگلس در آثار خود، شرایط زوال مذهب را به روشنی نشان داده اند. اگر به علت شناخت ناکافی از روابط طبیعی پدیده ها، از هراس از طبیعت که بدین گونه شکل می گیرد، از عدم شناخت کافی از چهره امروزی جهان، تصورات مذهبی ایجاد شده و با به حیات خود ادامه می دهند، اگر ریشه این تصورات، شرایط جامعه طبقاتی، فقر اجتماعی، فحاشی اجتماعی، جنگ و استثمار است که به صورت پلایای چبری سرنوشت می نماید و گویا انسان نمی تواند از آن ببرد، اگر در این پدیده هاست که مذهب زمینه رواج خود را می یابد، اگر شرایط نامبرده تولید کالایی به مقیاس وسیع تمایلات مذهبی ایجاد می کند، اگر استثمارگران و استثمارگران حاکم بنوبه خود در این ذی نفعند که ننگارند استثمار شدگان و سرکوب شدگان به شناخت واقعی درباره علل پلایای روا شده از سوی انسانها بر انسانها برسد، اگر طبقات حاکم هر آنچه در توان دارند به کار می گیرند تا مکانیزمی را حفظ کنند که چنین القا می کند که گویا مصیبت ها و پلایای این دنیا را دنیای غیر واقعی و آخری جهان خواهد کرد، پس این همه ریشه های مذهب را تنها زمانی می توان از میان برداشت که به حیات جامعه طبقاتی پایان داده شود، که سرمایه داری، آخرین نظام اجتماعی مبتنی بر استثمار و ستم انسان بر انسان، میان برود. انسانها باید شرایط زندگی اجتماعی را واقعاً در دست خود گیرند، منافع عمده زندگی یک ملت، باید از مالکیت خصوصی به مالکیت اجتماعی انتقال یابد...

اما سرنوشت ریشه های فردی احساسات مذهبی چه خواهد شد؟ این ریشه هائیز در نهایت، علل اجتماعی دارند. سوسیالیسم و کمونیسم، آنچه را جوامع مبتنی بر استثمار آفریده اند، از میان می برد، و آنچه را آن جوامع قادر به ساختن آن نبودند، می سازد، و بدینگونه، راه منافع فردی و روحيات مذهبی را می بندد. سوسیالیسم و کمونیسم، رشد آزادانه همه استعدادهای واقعی شخصیت را امکان پذیر می سازد، به فرد کمک می کند که از خود محوری نشأت گرفته از مالکیت خصوصی بر منافع زندگی اجتماعی و از شرایط رقابت سرمایه داری، ببرد و از این طریق و همراه با ایجاد تصویری علمی از جهان امکان می دهد که انسان، رابطه ای طبیعی با وجود خود، و از جمله با مرکز و بهیما برقرار سازد. سوسیالیسم و کمونیسم برای فرد امکان واقعی تحقق هدف زندگی دنیوی او را فراهم می آورد. بدین ترتیب، سوسیالیسم و کمونیسم، اشکال جستجوی صوفی وار و غیر عقلایی هدف زندگی در آخرت را که اگر چه به صورت فردی، زمینی، زندگی، اما در نهایت ریشه اجتماعی دارد، از میان می برد...

مارکس و انگلس، مطابق با همین نظرات درباره ریشه های پیدایش مذهب... به مقابله با تصورات آنا رشیستی درباره اعمال قهر علیه مذهب برخاستند. مارکس و انگلس به دقت میان مبارزه فکری و مقابله استدلالی و عقلایی با همه اشکال باورو خرافات مذهبی از یک سو، و تصورات موجود در نظریات آنا رشیستی و ماورا* چپ، مبنی بر اعمال قهر عریان بر این ناپودی مذهب، تفاوت قائل می شدند...

اما تلوری و نقد مارکسیستی مذهب، تنها جنبه های "انکاری" نام برده در بالا را ندارد. باید بر این جنبه ها، ساختن و گسترش همه جانبه جهان بینی ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی را افزود. تبیین مهمترین مسائل دیالکتیک طبیعت، جز "شروری پاسخ مثبت به پرسشهایی است که مذهب می کوشد به شیوه ای نادرست، به گونه ای صوفی گرانه و تخیلی پاسخ دهد، پرسشهایی که" مسایل نهایی جهان بینی" نامیده می شوند. دیالکتیک طبیعت، به چنین پرسشهایی، نظیر مسئله خلقت و وحدت جهان، پاسخ می دهد، این وحدت، در مادی بودن جهان، در غیرقابل خلق و غیرقابل محو بودن ماده و حرکت، در ذاتی بودن حرکت و تحول برای ماده است. یکی از ویژگیهای خلعت ضد مارکسیستی فلسفه نشریه "پراتیک" زاگرپ، "مکتب فرانکفورت" و غیره، مبارزه آنها با دیالکتیک طبیعت است. این، از خصوصیات پایه ایده آلیستی این فلسفه است. از این رو، بحث انگلس درباره دیالکتیک طبیعت، و به طور کلی مبحث دیالکتیک طبیعت در جهان بینی مارکسیستی، بحث درباره موضوعی نیست که بطور کمابیش اتفاقی، جزئی از مارکسیسم است، بلکه به مسئله اصلی خود جهان بینی مارکسیستی می پردازد... ۵

- ۱) کارل مارکس-فریدریش انگلس، مجموعه آثار به زبان آلمانی، ج ۱۰، ص ۲۷۸ به بعد.
- ۲) همانجا، ج ۲۲، ص ۸۶.
- ۳) همانجا، ج ۲۲، ص ۸۵.
- ۴) همانجا، ص ۸۶.
- ۵) همانجا، ص ۱۲۸ به بعد.
- ۶) همانجا، ج ۴۰، ص ۲۰۰.
- ۷) همانجا، ص ۴۸۰ به بعد.
- ۸) همانجا، ج ۲۱، ص ۲۲۴ به بعد.
- ۹) همانجا، ج ۲۲، ص ۸۵.
- ۱۰) همانجا، ص ۸۶.
- ۱۱) همانجا.
- ۱۲) همانجا، ص ۸۷.
- ۱۳) همانجا، ج ۲۱، ص ۲۷۵.
- ۱۴) همانجا، ج ۲۰، ص ۲۶۴.

عوامل عملیات تروریستی رژیم خمینی در پاکستان

این اطلاعات، پلیس پاکستان زمینه قرار آنان را آماده می‌کند.

روزنامه پاکستانی "داون" مورخ ۵ ژوئیه نیز از بازداشت ۵ نفر از مزدوران خبر داده است. تا بحال اسامی ۴ تن از آنان بنامهای حبیب الله، ابراهیم، سید رضا مهدی افشا شده است. این روزنامه در همین رابطه نوشته است: "مهدی که سمت معاونت فرماندهی نیروهای حمله کننده علیه تبعیدیان را بعهده داشته است در اظهاراتش در مقابل دادگاه چنین بیان می‌دارد که با سلیسپورت و پلیط افغانی بنام امین الله وارد پاکستان شده است. او همچنین اظهار داشت که ابتدا به زاهدان پرواز کرده و سپس از طریق تفتان، باریکه مرزی بین پاکستان و ایران به کویته رفته است. در آنجا دو خانه را به اجاره درمی‌آورد. یکی از خانه‌ها برای گردآوری اسلحه و مهمات مورد استفاده قرار می‌گیرد و از دیگری برای محل اقامتش بهره می‌جوید. کلیه عملیات توسط فرمانده عملیاتی به نام عباس الیاس نامور حسینی رهبری می‌شود. او کسی است که نقشه‌ها و ماموریت گروه عملیاتی را تعیین کرده است. مهدی همچنین گفت که چند روز پیش از عملیات علیه مخالفان، محموله‌ای از اسلحه‌های مدرن و مهمات را در تماسی که در نزدیکی دفتر پست انجام داده است، تحویل گرفته و بعد آنها را در محل مسکونی خود می‌گذارد. شب قبل از عملیات، سایر کماندها که خود را به کویته رسانیده بودند در محل مسکونی او که مرکز فرماندهی قرار گرفته بود ملاقات می‌نمایند. بعد از خاتمه عملیات در بامداد روز ۸ ژوئیه علیه مخالفان در کویته، گروه به سمت مرز پاکستان و ایران فراری می‌گردند. آنها قبل از عزیمت سلاحها و مهمات خود را در باغی جای می‌گذارند. اما قبل از ورود به خاک ایران وسایل نقلیه ایشان دچار نقص گردید و منجر به بازداشت آنان شد. ۱۳ کمانده و در ناحیه چاکامی تحت دستگیر قرار می‌گیرند. از این ۱۲ تن، پرونده ۵ نفر به دادگاه ارجاع شده است. ●"

بطوریکه در گزارشهای متعدد "اکثریت" در مورد عملیات تروریستی رژیم جنایتکار خمینی در پاکستان گزارش دادیم، یورش مسلحانه مزدوران و چماقداران حزب الهی به اقامتگاههای پناهندگان ایرانی در شهرهای کویته و کراچی نقطه اوج "دیپلماسی جنایت" رژیم در مقابله با اپوزیسیون مرفعی در خارج از مرزهای ایران بود.

در پی این حملات برپرمشانه، مطبوعات رژیم ضمن بازتاب شادمانی حیوانی خود از این اقدامات وحشیانه، مذبوحانه تلاش ورزیدند، دستان خوناورد و پلید رژیم خمینی را از دید جهانیان پنهان سازند. اما افشاکری وسیع ایرانیان خارج از کشور، خمینی را در این هدف خود ناکام گذاشت. در جریان رویداد خونین هفدهم تیرماه پاکستان، هرچند که پلیس رژیم فاشیستی پاکستان، با مزدوران خمینی همکاری فعال داشت، اما ابعاد جنایت آدمکشان خمینی در حدی نبود که مقامات پاکستانی بتوانند پراحتی با سکوت رضایت آمیز از کنار آن بگذرند.

اکنون با آشکار شدن نقش جنایتکارانه ساواک خمینی و سپاه پاسداران در سازماندهی این حملات وحشیانه، و با دستگیر شدن تعدادی از آدمکشان رژیم که در عملیات تروریستی شرکت داشتند، رژیم خمینی قصد دارد با فشار به دولت پاکستان از علنی شدن اسامی و اطلاعات بدست آمده از مزدوران جلوگیری نماید.

پلیس پاکستان در راستای همکاری جنایتکارانه خود با رژیم ضدبشری خمینی، سعی می‌کند، از افشای اسامی جنایتکاران خمینی که در بازداشت بسر می‌برند، جلوگیری کند. بنا به اطلاعاتی که "کانون" پناهندگان ایرانی - کراچی" صادر کرده است. اکنون تعدادی از مزدوران خمینی بازداشت شده‌اند. دو تن از آنان بنامهای دادالرحمن دانشمند و قادر بخش بلیده‌ای که در عملیات تروریستی نقش فعالی داشتند، توسط پلیس پاکستان در نقطه نامعلومی نگه داشته شده‌اند. برپایه

دور از میهن

اشتوتگارت: اکسیون علیه شکنجه و اعدام در ایران

سایه‌چالهای جمهوری اسلامی و برای نجات جان دهها هزار زندانی سیاسی فراخواند.

شرکت کنندگان در این حرکت اعتراضی، ضمن پخش اعلامیه‌های افشاگرانه به زبانهای آلمانی و فارسی در میان شهروندان اشتوتگارت، با اجرای یک قطعه نمایشی، جنایات ضد بشری خمینی را در زندانها به نمایش گذاشتند. این قطعه نمایش، که در چندین نوبت به اجرا درآمد، یکی از پر بیننده‌ترین قسمت‌های حرکت بود. خبر این اقدام همراه با عکسی که در زیر مشاهده می‌کنید، در روزنامه "اشتوتگارت" انعکاس یافت.

روز سه‌شنبه ۶ مردادماه، میدان مرکزی شهر اشتوتگارت عرصه همبستگی شهروندان آلمانی با مبارزه دلاورانه زندانیان سیاسی قهرمان ایران بود. انجمن پناهندگان سیاسی ایرانی مقیم این شهر، با برگزاری حرکتی پر نموده به نشانه پشتیبانی از اعتصاب غذای زندانیان اوین و گوهردشت و برای اعتراض به سفر ولایتی وزیر امور خارجه رژیم خونییز خمینی با شعارهای "مرگ بر خمینی" و "درود بر همبستگی بین‌المللی" طی یک روز برگزاری حرکت، سازمانهای مرفعی و مدافع حقوق بشر و شهروندان آلمانی را به محکوم کردن جنایات دزخیان خمینی در



آتش سوزی در اقامتگاه پناهندگان

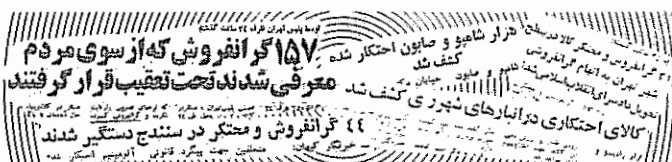
اقامتگاه پناهندگان در شهر "زیمباخ" که، طعمه آتش نفوفاشیست‌ها قرار گرفت، یک ساختمان قدیمی مخروبه و غیرقابل استفاده بود، که در آن علاوه بر پناهندگان سایر ملیتها، دو خانواده ایرانی ساکن بودند. در جریان این آتش‌سوزی، با وجود بی‌توجهی آشکار اداره آتش‌نشانی و پلیس برای خاموش کردن آتش، خوشبختانه با عکس‌العمل و خروج به‌موقع ساکنین اقامتگاه، پناهندگان توانستند، از شعله‌ها نجات یابند.

در تاریخ ۵ مردادماه، اقامتگاه پناهندگان در شهر "زیمباخ" در ایالت بایرن آلمان فدرال بوسیله عده‌ای از نفوفاشیست‌ها به آتش کشیده شد. در این ایالت علاوه بر اینکه پناهندگان تحت فشار و تضییقات غیرانسانی و غیرقانونی هستند، از طرف دستجات نفوفاشیست نیز در معرض تهاجم قرار دارند. مقامات محلی این ایالت، هیچگونه اقدام موثری در جهت توقف اقدامات نفوفاشیست‌ها انجام نمی‌دهند.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

«رسالت»، بازار در مبارزه با گرانی

بقیه از صفحه اول



نگاهی بر برخی از علل گرانی در کشور

تورم و کنش اقتصاد کاپیتالیستی همراه یکدیگرند و تورم اؤشکل عملکرد دوره‌ای به شکل عملکرد همواره‌ای فرا روئیده است. در شرایط قدرقدرتی بی‌چون و چرای سرمایه امپریالیستی، و در چارچوب تقسیم سرمایه‌دارانه جهانی فعالیت اقتصادی، سرمایه کشورهای متروپل در کنار صدور خود و صدور کالا به صدور بحران و تورم اقدام می‌کنند. نرخ تورم در کشورهای وابسته بسیار بیش از نرخ آن در کشورهای متروپل است، چه کشورهای امپریالیستی بار اصلی بحرانهای اقتصادی را به کشورهای وابسته منتقل می‌کنند. کشورهای امپریالیستی همواره با افزایش بهای کالاهای صادراتی خود که محصول اعمال‌ظور و دگرگونی مواد خام اوزان وارداتی است - بخش اعظم تورم را در قالب کالای گران به کشورهای وابسته و در حال توسعه صادر می‌کنند.

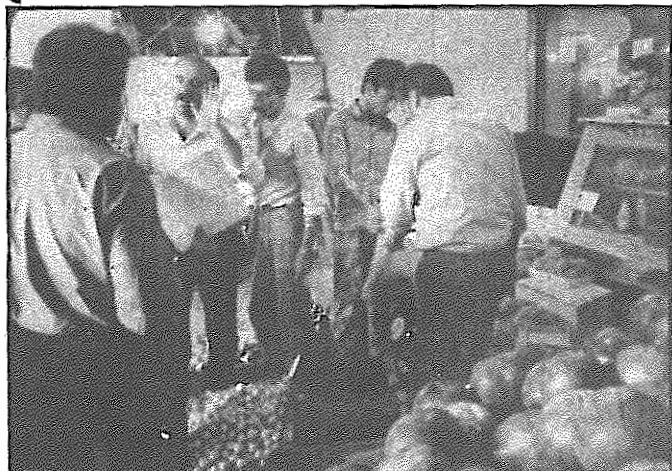
اینکه اقتصاد سرمایه‌داری وابسته حاکم بر کشور موچند و مولد تورم و گرانی است، حقیقتی است. این حقیقت و میثه وجود تورم گریزناپذیر را در اقتصاد ایران توضیح می‌دهد. اما لکام گسیختگی تورم در ایران، در ابعاد کنونی، ثمر مستقیم مجموعه کارکرد سیاسی و اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی است. شرح تورم در جامعه ایران نه کنترل‌شدنی است و نه هماهنگ افزایش می‌یابد. کلوله برفی است که

تورم، چون توسن لکام گسیخته‌ای، هر روز سرکش‌تر و رام‌ناشدنی‌تر، اقتصاد کشور را به عرصه تاخت و تاز ویرانگر خود بدل کرده است. تورم و گرانی ایفک در کشور ایجاد می‌کند و چون شعله‌ای سوزان، قدرت خرید عمومی را در لیبب مهارناشدنی‌اش به آتش می‌کشد. باؤگونی کلی اینکه، گرانی بر اقتصاد کشور محیط شده است، راهکشی به حقیقت نامکشوفه‌ای نیست، چه گرانی را توده‌ها پیش از محورها و داده‌های آماری و پیش از وېان خشک و سرد اقتصادی، باگوش و پوست خود لس می‌کنند و طعم تلخ آن را می‌چشند. رژیم شاه در گذشته و رژیم خمینی امروز سعی داشته و دارند تا علل اصلی گرانی را از انظار پنهان داشته و ست و سوی خشم توده‌ای را متوجه کاسبکاران کوچک بنمایند. آفکاه که گرانی محفله باور و تحمل را در هم می‌شکند و مردم از خشم و رژیم از هراس لبریز می‌گردند، ماموران حکومت بر آن می‌شوند تا با قربانی کردن خرده‌فروشان، کسب بزرگ را از کژند مصون دارند. چرا که علل وجودی چنین رژیم‌هایی در بقای کسب بزرگ نهفته است و خود در نعمات ناشی از آن شریکند.

تورم محصول نظام سرمایه‌داری است و اگر از مقاطع نخستین پیدایش نئلم سرمایه‌سالاری که تورم چون بحرانی دوره‌ای در آن رخ می‌نمود، سرفقتر نمائیم، دیرگاهی است که

و نلیفه‌شناسی "طبقه محترم بازاریان" در امر سرکوب عاملین احتکار و گرانی تاکید فراوان کرده است. در یکی از این اطلاعیه‌ها آمده است، "پیرو اطلاعیه‌های قبلی در جهت حمایت و پشتیبانی اصناف و بازار اسلامی در باره مبارزه با گرانی و گرانی‌فروشی، با توجه به دستورات حضرت امام مدظله‌العالی و رهنمودهای ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و سخنان دیگر مسئولین محترم، جامعه انجمنهای اسلامی اظهار امیدواری می‌کنند به اینکه انشاءً... این بار با کمک و مشارکت همه مردم و برنامه‌ریزی دولت محترم گرانی و گرانی‌فروشی اؤپین رفته، علل و عوامل آن ریشه‌کن شود و عدالت اسلامی در ابعاد اقتصادی اؤ تولید تا توزیع و مصرف کاملاً اجرا گردد." اطلاعیه در عین حال فراموش نمی‌کند که گوشزد نماید، "بنا به فرمایش امام عزیز باؤار اسلامی باؤوی ستر انقلاب بوده و همواره خود را مقلد حضرت امام دانسته و می‌داند لذا دستورات ایشان را تا سرحد امکان انجام داده و همیشه آؤوی آنها این بوده که اؤ الوصفان گرانی‌فروش را به دست عدالت سپرده و تجارت و امور کسب را به صورت آرمان اسلامی نگهدارد."

مشاهده شد که این بار باؤار اسلامی - تجارت بزرگ - علیه اؤ الوصفان باؤار غیر اسلامی - کسبه جزؤ و دکانداران کوچک - وارد عمل شده و به مثابه "باؤوی ستر انقلاب" می‌کوشد اؤ "آرمان اسلامی" که تجارت و امور کسب است در برابر آرمان غیر اسلامی دفاع و حراست نماید. و درست بهمین خاطر است که حضور باؤار اسلامی در صحنه گردانی مبارزه با گرانی، به امر مبارزه با گرانی و احتکار در سایه حکومت فقها، ویرگی می‌بخشد و بر کلیت آن میتوان "سبک کار اسلامی" نام نهاد. تاکنون بسیاری اؤ کسبه خرده‌پا تعزیر شده‌اند و دکانهای بسیاری را "باؤوی ستر" به چرم گرانی‌فروشی بسته است ولی 'غول گرانی' نه تنها در کورس خود اؤ نفس نیافتاده است، بلکه خالقین آن بر بستر پرواز شدن آن، پروار می‌شوند.



ماموران "تعزیر حکومتی" هند وانه فروش‌ها را چریسه می‌کنند.

بهمین‌وار به سراشیب درغلطیده و در
درودر خود، شتاب فزونی می‌یابد.
اُذایفرو محاسبه دقیق آن مستلزم
لحظه‌نگاری آماری است و نرخ آن
چون رابطه سیال ارض‌دورس‌با‌وی
کشورهای امپریالیستی، باید مرحله
شناخته شود. مقامات رسمی رژیم شیخ
به‌نگام ارائه شرح تورم، کالاهای
متنوعی از زردهای مختلف را به‌گونه‌ای
جمع‌چری می‌کنند که شرح اصلی و
واقعی تورم را پوشیده دارند. گرچه
نمی‌توان به شرح دقیق و واقعی تورم
دست یافت، ولی با مروره برخی از
علل موثر داخلی می‌توان ابعاد آنرا
آشکار ساخت. جدا از رابطه تقدم و
تاخیر علل موثر در تورم داخلی
کشور، می‌توان مهم‌ترین علل موثر را
چنین دسته‌بندی کرد:

- کسری بودجه سالانه
- هزینه های جنگی و جاری
- مالیاتها
- گرانفروشی رسمی حکومت
- سیاست ارزی دولت

هدیه‌ی است که سیاست‌های
 اقتصادی رژیم یک مجموعه بهم پیوسته
 است و تفکیک آن به اجزای آنها به قصد
 بولت اراکه صورت گرفته و در
 جریان واقعی میتوان همه عوامل ذکر
 شده فوق را عرصه‌های تجلی یک سیاست
 امید. پیش از ورود به مرور مختصر
 ریک از عوامل و عرصه‌های پیش گفته،
 ضرورت دارد تاکید شود، "سیاست
 وین اقتصادی" و "شرایط شوین
 اقتصادی" که در دو ساله گذشته محور
 عملکرد اقتصادی رژیم واقع شده
 است، چیزی جز رسمیت بخشیدن و
 وسعت دادن به عملکرد گذشته رژیم
 بوده و چون محصول بحران حاد
 اقتصادی است، میتواند بیان رسی
 رشنسکی اقتصادی رژیم نیز تلقی
 گردد.

۱- کسری بودجه سالانه

دوره‌های بحران اقتصادی از سال ۶۲ رخ نمود. بهای نفت که در سال ۶۲ به ۶۱- به اوج خود رسیده بود و باعث آن گشته بود که فقها در خانه شیشه‌ای رویاها و آرزوها برای آینده طلایی حکومت خود افسانه‌پردازی کنند، در اواخر سال ۶۲ روبه کاهش نهاد و در سال گذشته به کمترین حد خود در سالهای اخیر رسید. بحران حاد که در مختمات رژیم طغیانه بوده، بدنبال سقوط بهای نفت، حادث گردید و آرزوهای فقها را برپا داد.

سقوط بهای نفت تنها بحران
اروی را در پی نداشت، بلکه
بلادرنگ به بحران مالی تمام عیاری
فراروئید و بحران مالی که خود را در

کسری بودجه عظیم سالیانه متجلی می‌ساخت، با توان بی‌زبانی اعلام ورشکستگی اقتصادی رژیم بود. کسری بودجه رژیم بنفین هه‌ساله فوق‌العاده می‌گیرد، تنها کسری بودجه سال ۶۵ از ۱۲۰۰ میلیارد ریال گذشت و چند برابر کسری بودجه پیش‌بینی شده در لایحه بودجه سال ۶۵ گردید. کسری بودجه سال ۶۶ را ۱۰۰۰ میلیارد ریال در نظر گرفته‌اند، در انتهای سال حاضر تا چه‌جا بر آن افزوده گردد، باید ماند و دید.



رژیم در مقابل بهاکسری بودجه، که در واقع ورشکستگی و عجز ستون درآمدی در مقابل ستون هزینه‌هاست، به استقرار از سیستم بانکی و انتشار اسکناس روی می‌آورد. چاپ اسکناس بگونه‌ای بی‌سابقه و برون ازحد متعارف، البته ازسال ۶۲ آغاز شد، بلکه از این سال شدت یافت. مسئولین رژیم در هیئت کلاهبرداری به چاپ اسکناس بی‌ارزش روی آوردند. کافی است اشاره شود که رژیم در فاصله زمانی ۵۷ تا ۶۱، میزان اسکناس و مسکوک منتشره را دو برابر کرده است. دوبرابر شدن میزان اسکناس و مسکوک منتشره در این فاصله زمانی در اثر ابطی صورت می‌گیرد که هنوز اژدهای بحران دهان خود را کامل نگشوده بود و بحران حاد اقتصادی پس از این فاصله زمانی، موجودیت یافت. سیاست انتشار و ضرب بی‌رویه اسکناس و مسکوک، بطور جدی بر تورم موجود افزود و باعث کم ارزشی مغرطپول در گردش گردید.

۲- مزینه های جنگی و چاری

آنجا که اقتصاد از عرصه تولید
پاژمانند و یا تولید نعمات مادی در
مجموعه فعل و انفعالات اقتصادی

پسندت محدود گردد و در مقابل، کارهای غیرتولیدی وونه سنگینی شوند، گردش پول در هر دور باعث افزایش تورم می‌شود. در چنین شرایطی اقتصاد مجبور را تولید نمی‌کند، بلکه بحران اقتصادی مجبور را می‌زاید. در پی زاد و ولد بحران اقتصادی رشته‌های تولیدی به سختی آسیب می‌بینند. افزایش گردش پول وجه مکمل افزایش حجم پول در گردش می‌شود و هر دور پر کوره تورم می‌دمند و شعله، بر سر سازند.

هزینه‌های جنگی و هزینه‌های جاری رژیم را نمیتوان بطور دقیق بازشناخت، چراکه رژیم در ستون هزینه‌ها، شیوه ارائه آمار مخدوش را پیشه کرده است. علاوه بر این آنچه را که رژیم در ستون هزینه‌های عمرانی گنجانیده به‌عبارت خدمت جنگ بوده و می‌بایست به‌مثابه هزینه‌های نظامی تلقی گردند. هزینه جاری لایحه بودجه سال ۶۶ را بالغ بر ۲۴۸۲ میلیارد ریال پیش‌بینی کرده‌اند. از آن بین هزینه دستگاهها و نهادهای سرکوب و امنیتی و دستگاه‌های طولیل و عریض‌اداری بیشترین سهم را در افزایش گردش پول در جامعه برعهده دارند. اختصاص هزاران میلیارد ریال به امر جنگ و سرکوب و مسائل امنیتی، یکی از ارکان اصلی سیاست تورم‌زای رژیم بحساب می‌آید. رژیم که از صرف هزاران میلیارد ریال در این زمینه ابهائی ندارد، تاکنون به بهانه جلوگیری از افزایش تورم، از افزودن بر حقوق ناچیز حقوق‌بگیران شایسته کارگران و کارمندان - تن‌زده است! تنها کافی است خاطرنشان کرد، حجم پول که شامل اسکناس و سکه در گردش باضافه سپرده‌های دیداری بخش خصوصی می‌شود تنها در فاصله زمایه ۵۷ تا ۶۱ - پیش از حد

بهران - نزدیک به سه برابر افزایش یافته است.

۳۔ مالیاتہا

رژیم سیاست افزایش مالیاتی را در پیش گرفته است. برای نخستین بار در چند دهه اخیر، نقش درآمدهای نفتی در ستون درآمدهای رژیم از جایگاه نخست فرو افتاد و درآمدهای مالیاتی جایگزین آن در جدول درآمدهای بودجه گردید. "سیاست اقتصادی جدید" رژیم چیزی جز رسمیت بخشیدن به اجاذای حکومتی نیست. موسوی تهرنجی و وزیر رسا اعلام کرد که میزان وصول مالیات نسبت به گذشته به دو برابر افزایش یافته و در عین حال نسبت به همین مقدار مالیات وصولی نیز ابراز ناخشنودی کرد.

افزایش میزان مالیاتها و بهرچه مالیاتهای غیرمستقیم به دلیل درآمد تورم زائی موثرند. از یک سو چون حقوق بگیران ثابت که پرداخت کنندگان صرف مالیات هستند - بخش مهم مالیاتهای مستقیم - دیگر بخشهای مالیات پرداختی را بر بهای کالاها می عرضه شده می افزایند و از سوی دیگر رژیم از طریق پول جذب شده ناشی از دریافت مالیاتها، برنامه های خود را هزینه می کنند و پول را مجدداً به جامعه برمی گرداند و از این طریق به افزایش حجم پول در گردش و شتاب این گردش دامن زده و به تورم ابعاد بیشتری می بخشد.

۴۔ گران فروشى رسمى حکومت

بحران که در محفله اقتصاد کشور قدر قدرت گردید، رژیم سیاستهای "جدیدتری" را در پیش گرفت. مسئولین بیت المال در استای کتب درآمد بیشتر و سرکیسه کردن توده ها هر کوشش پیشین خود بسی افزودند. رژیم در پیوند با بازار اسلامی و در چارچوب "عدالت اقتصاد اسلامی"، خود به بزرگترین گرانفروش بدل گردید. در پی حدت گیری بحران ارزی و مالی، و بموارات سیاست افزایش مالیاتها رژیم بر سرخ هر کالائی که در اختیار داشت افزود و از این طریق با چپاول توده ها، هزینه های خود را تامین کرد. گرانفروشی رسمی حکومتی به دو شکل عربان و پنهان صورت می گیرد. جمهوری اسلامی از یکسو بر بهای بفرین، نفت و دیگر فرآورده های نفتی افزود آقا زاده ویرن نفت رژیم اخیرا اعلام کرده است که بهای بفرین باز هم افزایش خواهد یافت - و از سوی بقیه، صفحه آخر

آلمان فدرال: مرثیه برای رودلف هس

پس از جنگ، آمریکا، انگلیس و فرانسه پادشاه هس را بصورت ممانعت از اعدام او دادند. هس، به حبس ابد محکوم شد. اما هنوز مدت زیادی از محکومیت او نگذشته بود که ژمنه‌ها برای آزادی او از کشورهای غربی، به خصوص آلمان فدرال، بلند شد. این اواخر، به این تبلیغات، رفک و لعاب انساندوستی هم می‌زدند، "این پیرمرد را آزاد کنید، او که دیگر کاری از دستش ساخته نیست." بعضی‌ها هم حتی ظاهر خیر اندیش به خود می‌گرفتند و می‌گفتند، "اگر هس در زندان بمیرد، به پت تلونازی‌ها تبدیل خواهد شد." به دولت آمریکا، انگلیس و فرانسه از سال‌های پیش موافق آزادی هس بودند. اما دولت شوروی چگونه می‌توانست با بخش جناپتکاری موافقت کند که از طراحان لشکرکشی به اتحاد شوروی و کشتار ۲۰ میلیون تن از مردم این کشور بود؟

هس در زندان مرد. کلیشه ای که در این صفحه می‌بینید، بریده ای از روزنامه دست راستی "دی ولت" چاپ آلمان فدرال است. یک افسر بازنشسته شیروی دریایی، آکبی بلندبالایی برای هس داده، و در آن، از هس در دادگاه نورنبرگ چنین نقل کرده است که، "وقتی در برابر محکمه عدل الهی بایستم... تبرئه خواهم شد."

به کار مزدوران هار سرمایه، به محکمه عدل الهی دل ببندند. اما خلقت، در برابر محکمه تاریخ نفک ابدی بر پیشانی همه آتشی می‌زنند که وکیل مدافع جناپتکاری چون هس شده اند.

رودلف هس مردمی گویند معاون هیتلر، در سن ۹۲ سالگی در زندان "اشپاندائو" (برلین غربی) خودکشی کرده است. او آخرین باؤمانده جناپتکاران اصلی جنگ دوم جهانی بود، هیتلر، گورینگ، گوپلز، میملر، موسولینی و...

چرا هس، معاون "پیشوا" و کسی که در یکی از بالاترین مقامات "رایش سوم"، نقش تعیین کننده ای در طرح ریزی جناپت نازی‌ها داشت، همراه با سایر همپانگی‌هایش در دادگاه نورنبرگ به اعدام محکوم نشد؟

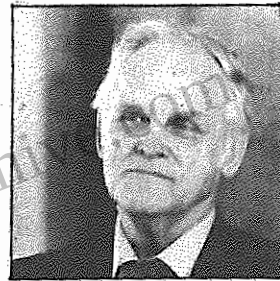
در دادگاه نورنبرگ، قضات اتحاد شوروی، آمریکا، انگلیس و فرانسه جناپتکاران جنگی را محکوم کردند. دادرش شوروی، تا آخرین لحظه بر صدور حکم اعدام در مورد هس، با فشاری کرد. اما دولتهای غربی، مانع از اعدام هس شدند. هس در سال ۱۹۶۱ بطور اسرارآمیزی از آلمان به انگلستان پرواز کرد و دیگر به نزد "پیشوا"یش پرتکشت.

تاریخ شویسان بورژوازی، می‌گویند هس، از آلمان هیتلری گریخت. اما شواهد وجود دارد که حاکی از آن است که هس، با اطلاع و موافقت هیتلر، و برای مذاکره با چرچیل به انگلستان رفت. در هرحال، چه با اطلاع و چه بدون اطلاع هیتلر، هس بعنوان دست راست هیتلر می‌خواست به جنگ آلمان و انگلیس پایان دهد و همه نیروهای جهان سرمایه داری را بر علیه اتحاد شوروی برانگیزد. چرچیل، بعنوان سردمدار راست ترین نیرو در ائتلاف ضد هیتلری، همواره گوشه چشمی هم به این گونه پند و پستها با فاشیسم داشت.

گس‌ها ل دبیرکل حزب کمونیست آمریکا در کنگره حزب: ریگان در حال عقب نشینی است، اما نباید دچار توهم شد

آمریکا گفت تغییر تفاسف قواد جهان و شیو مقاومت مردم آمریکا در برابر سیاست امپریالیستی و مداخله جویانه ایالات متحده، دولت ریگان را به انجام ماضور و عقب نشینی در برخی عرصه‌های معین وادار کرده است. گس‌ها ل این امر را حائز اهمیت جدی دانست و افزود، "لازم است که هر دو وجه واقعیت را ببینیم، هم عدم تغییر سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و هم امکانات شویی را که برای وادار کردن امپریالیسم آمریکا به عقب نشینی فراهم آمده است."

گس‌ها ل در مورد رسوایی "ایران کیت" گفت این ماجرا، از هم پاشیدن مکانیزم‌های دموکراتیک



گس‌ها ل

مبتنی بر قانون اساسی آمریکا را بر ملا کرد. وی افزود شورای امنیت ملی و سرویس جاسوسی سیا، که سرخ "ایران کیت" را در دست داشته اند، از آغاز ابزارهایی برای جنگ سرد بوده اند. این دو ارگان، مراکز جهانی ضد انقلاب محسوب می‌شوند.

گس‌ها ل، طبقه کارگر را نیروی اصلی مبارزه برای دموکراسی و درعین حال آماج اصلی بورش طبقه حاکم نامید. از آغاز حکومت ریگان، ۱۴ میلیون تن از حتمتکشان شغل خود را از دست داده و بیکار شده اند. رهبر حزب کمونیست آمریکا افزود برای بسیاری از حتمتکشان، این امر هرچه آشکارتر می‌گردد که طبقه کارگر، اگر متحدان عمل کند، تنها نیرویی است که می‌تواند با یورشهای انحصارات فرامیلتی و سرمایه مالی مقابله نماید. گس‌ها ل اعلام کرد حزب کمونیست آمریکا در سال ۱۹۸۸ برای انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا معرفی خواهد کرد.

در کنگره حزب کمونیست آمریکا، به دعوت این حزب هیلتی از فدائیان خلق ایران (اکثريت) - آمریکا شرکت جست.

همانگونه که در "اکثريت" شماره ۱۷۰ گزارش دادیم، بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست آمریکا در شیکاگو برگزار شد.

گس‌ها ل دبیرکل حزب کمونیست آمریکا که در این کنگره درست خود ابقا گردید، در گزارش کمیته مرکزی به کنگره به بررسی مهمترین رویدادها و روندهای سیاسی در جهان و در ایالات متحده پرداخت. گس‌ها ل در سخنان خود گفت بشریت هم‌اینک بر سروراهی پیسابقه ای قرار گرفته است، یا جنگی بدون برنده و یاصلحی بدون بازنده. وی افزود روند رویدادهای جهانی که شتاب بیشتری یافته است، بیش از هر کشور در ایالات متحده تاثیر می‌گذارد. ایالات متحده از بزرگترین کشور وام‌دهنده به بزرگترین کشور مقروض تبدیل شده است. قروض خارجی آمریکا از مجموع قروض سه کشوری که در فهرست کشورهای مقروض، مقامهای دوم تا چهارم را اشغال کرده اند، بیشتر است. تولید جنگ افزار، جای تولید کالامای غیر نظامی را گرفته است.

دبیرکل حزب کمونیست آمریکا خاطرشان ساخت سهم آمریکا در صادرات و خدمات در جهان سرمایه داری به ۱۴ درصد کاهش یافته است.

گس‌ها ل گفت اتحاد شوروی در هفتاد و هشت سال ساختمان سوسیالیسم، در پیلن امر بزرگ دگرگونی است. وی افزود اتحاد شوروی رهبری مبارزه برای قطع مسابقه تسلیحاتی هسته ای را برعهده گرفته است. دولت ریگان ناچار به عقب نشینی در برخی عرصه‌ها شده و در نتیجه، احتمال حصول توافق در پاره محو موشکهای میان برد و برد کوتاه، کاهش نیمی از بودجه تسلیحاتی دوربرد استراتژیک و محدود کردن "جنگ ستارگان" به آزمایش در لابراتوارها، افزایش یافته است.

گس‌ها ل درعین حال تاکید کرد این روندهای مثبت به هیچ وجه نباید باعث نتیجه گیریهای نادرست شود. وی گفت، "ما نباید دچار توهم و اشغال شویم... هیچ تغییر بنیادی در نظرات و اهداف امپریالیسم آمریکا پیش نیامده است. او هنگام جنگ دوم جهانی، سیاست آمریکا متوجه آن بوده است که بر بخش هرچه بزرگتری از جهان اعمال سلطه اقتصادی، نظامی، ایدئولوژیک، سیاسی و مالی کند." دبیرکل حزب کمونیست

Bereist stehe ich vor dem
Richterstuhl des Folgen.
... Er spricht mich frei.
Nurnberger Prozeß 1. 9. 1946

Wir verneigen uns in tiefer Ergriffenheit.

Rudolf Heß

† 29. 4. 1894 Alexandrien/Ägypten
† 17. 8. 1987 Berlin-Spandau

Mit unserem letzten Gruß.

Für alle, die mit uns trauern.

Gert v. Kamptz, Kapitän zur See a. D., Kiel

ادامه اعتصاب معدنچیان آفریقای جنوبی علیه غم آخر اجهای جمعی

اعتصاب نژادیک به ۴۰۰ هزار معدنچی در آفریقای جنوبی، که هفته گذشته او آغاز آن گزارش دادیم، ادامه دارد. شرکتیای صاحب معدن وغال سنگ و طلا در آفریقای جنوبی دست به اخراج جمعی اعتصابیون زده اند، اما علیه غم این اقدامات، معدنچیان مصمم به ادامه اعتصابند.

از آغاز اعتصاب، پلیس رژیم آپارتاید علیه کارگران دست به خشونت زده است. در روز جمعه ۱۴ اوت در جریان حمله پلیس به کارگران معدن طلای "وسترن دیپ" در نزدیکی ژوهانسبورگ، ۷۰ کارگر مجروح شدند. پلیس در این یورش که با استفاده از تازیکی شب صورت گرفت، از گاز اشک آور و کلوله های لاستیکی استفاده کرد. در روز یکشنبه ۱۶ اوت، پلیس به خانه های کارگران معدن مانند در شرق ژوهانسبورگ حمله ور شد.

علاوه بر عملیات پلیسی، دولت آفریقای جنوبی و انحصارات برای درهم شکستن اعتصاب از جربه اخراج بهره می گیرند. بزرگترین شرکت صاحب معدن طلای آفریقای جنوبی بنام "آنگلو آمریکن کورپوریشن"، در روز جمعه ۲۱ اوت ۴ هزار معدنچی را اخراج کرد. این شرکت تهدید کرده است که در روز دوشنبه ۲۴ اوت، ۱۶ هزار معدنچی دیگر را در صورت ادامه اعتصاب، اخراج خواهد کرد.

"آنگلو آمریکن" در روز پنجشنبه ۲۰ اوت ۲ هزار کارگر معدن را اخراج کرد. شرکتیای "گنسر" و "ژوهانسبورگ کوشولیدیتداینوستمنت" نیز تهدید کرده اند علیه ۲۸ هزار کارگر به اقدامات مشابهی متوسل خواهند شد.

در مقابل، کارگران همچنان به مبارزه خود ادامه می دهند. سیریل رامافوزا دبیر کل "اتحادیه ملی معدنچیان" اعلام کرد ۲۰۰ هزار عضو این سندیکا ترجیح می دهند اخراج شوند اما اعتصاب خود را قطع نکنند. رامافوزا افزود: "ما اکنون در یک جنگ به سر می بریم". بزرگترین اعتصاب کارگری تاریخ آفریقای جنوبی، که دو هفته پیش آغاز شد، روزانه ۸ میلیون دلار به انحصارات ضرر وارد می سازد. ۵۶ معدن طلا و وغال سنگ دستخوش اعتصابند.

تاکنون سازمان وحدت آفریقا و اتحادیه های سندیکایی فرانسه و آلمان فدرال از اعتصاب معدنچیان آفریقای جنوبی حمایت کرده اند.

مهمترین خواستهای اعتصابیون عبارت است از ۲۰ درصد افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار و سیستم رفاهی.

علاوه بر اعتصاب معدنچیان، ۱۶ هزار کارگر پست آفریقای جنوبی و ۲۶۰۰ کارگر کارخانه بنز در این کشور نیز دست او کار کشیده اند.

نخستین موفقیت بزرگ کارگران در کره جنوبی

انداخته اند. در حال حاضر تدارکاتی برای تاسیس یک اتحادیه سراسری جدید دانشجویی انجام می گیرد.

در ۲۷ شهر کره جنوبی، رانندگان تاکسی ها دست به اعتصاب زده اند. ۱۴۰ شرکت حمل و نقل نیز دستخوش اعتصابند. کارگران سومین شرکت بزرگ کشتی سازی کشور به نام دایوون نیز دست به اعتصاب زده اند. در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه هفته گذشته، پلیس ۱۱۶ کارگر اعتصابی را دستگیر کرد. "واحد ضد کمونیستی" پلیس کره جنوبی او آغاز اعتصابات کارگری تقویت شده است. این واحد، ماموریت دارد تحقیقاتی در مورد "فعالیت های کمونیستی" در جریان مبارزات کارگری انجام دهد.

چون دو هوان دیکتاتور کره جنوبی خواستار پایان اعتصابات جاری شد. وی گفت کماکان علیه "نیروهای سیاسی غیرقانونی، به کار برنده قهر، بخرانیکار و چپ" اقدام خواهد کرد و حتی بر شدت این اقدامات سرکوبگرانه خواهد افزود. علیه غم "عفو عمومی" اعلام شده در اوایل ماه ژوئیه، در حال حاضر هنوز ۵۶ زندانی سیاسی در کره جنوبی آزاد نشده اند. اتهامات آنها جاسوسی، توسل به قهر و "فعالیت های کمونیستی" است.

اعتصابات کارگری کره جنوبی هم اینک وارد هشتمین هفته خود شده است.

تظاهرات در شبلی

صدر اتحادیه سندیکایی نامبرده اعلام کرد در روز هفتم سپتامبر در سراسر کشور اعتصابی سراسری برگزار خواهد شد. پوستوس خواهان تحریم رفرا ندومی شد که پیونوشه قصد دارد سال آینده با برگزاری آن مدت ریاست جمهوری خود را هشت سال دیگر تمدید کند.

نژادیک به ۲۰ هزار نفر در روز چهارشنبه ۱۹ اوت در تظاهراتی که به دعوت "فرماندهی ملی و حمتکشان"، بزرگترین اتحادیه سندیکایی شبلی، برگزار شده بود شرکت جستند و خواهان سرنگونی رژیم پیونوشه شدند. در این گردهمایی ماشوئل پوستوس

گسترش اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ترکیه

هفته گذشته اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ترکیه که در زندانهای آنکارا و استانبول آغاز شده بود، به شهرهای دیگر گسترش یافت. به گزارش روزنامه حریبت، از روز سه شنبه ۱۸ اوت زندانیان سیاسی در شهر ارزنجان دست به اعتصاب غذا زده اند. در این زندان، ۲۰۰ زندانی سیاسی خواهان پوشیدن لباسی متفاوت با لباس زندانیان عادی، افزایش ساعات ملاقات و هواخوری و ممنوعیت کتک زدن و شکنجه زندانیان شده اند.

همچنین از اوایل ماه اوت، زندانیان زندان "کایان تپ" نیز اعتصاب غذا کرده اند. دوتن از زندانیان اعتصابی به بیمارستان انتقال یافته اند.

در آنکارا بستگان زندانیان سیاسی شهرهای مختلف ترکیه اعتصاب غذا کرده اند.

حمایت از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ترکیه در داخل و خارج از این کشور بسیار گسترده است. حتی یکی از نمایندگان حزب حاکم "مام وطن" در پارلمان ترکیه، خواستهای اعتصابیون را برحق و عادلانه نامیده است.

اخبار کوتاه

● در جریان سفر روکافچ معاون وزیر خارجه شوروی به پکن، دو کشور توافق کردند که یک کمیسیون مشترک، مسائل مورد اختلاف مرزی را حل کند. روکافچ در بازگشت به مسکو مذاکرات خود با مقامات چین را تشریحش خواند، اما افزود که به ویژه در مورد منطقه شرقی مرز مشترک دو کشور هنوز دشواریهایی وجود دارد.

● به گزارش روزنامه فرانسوی لوموند، هفته گذشته صداهاتن از اهالی جنوب سودان توسط ارتش این کشور قتل عام شده اند. لوموند منبع این گزارش خود را "ارتش خلق برای آزادی سودان" و یک سازمان امداد بین المللی ذکر کرده است. در این گزارش آمده است بدستور ژنرال عبدالله فرماندار نظامی جنوب سودان، مناطق مسکونی در چند شهر به محاصره نیروهای امنیتی درآمده و ۲۵۰ تن به قتل رسیده اند. طی روزهای بعد نیز ۲۵۰ نفر دستگیر و اعدام شده اند.

● وزرای خارجه شیکاراگوئه، گواتمالا، کاستاریکا، هندوراس و السالوادور طی اجلاسی در سان سالوادور توافق کردند به منظور اجرای طرح صلح روسای جمهور این پنج کشور برای آمریکای مرکزی، مذاکرات منظمی میان این پنج کشور انجام گیرد. قرار است اجلاس بعدی وزرای خارجه در ماساگوا برگزار شود.

● در کنفره حزب دمکرات مسیحی شبلی، جناح راست و محافظه کار این حزب اکثریت آرا را به دست آورد. پاتریشیو آیلوین، سناتور پیشین، با ۵۵ درصد آرای نمایندگان به جانشینی گابریل والدز وزیر خارجه سابق که از رهبری حزب کناره گرفته است، انتخاب شده به گفته ناظران، وی خواهان مذاکرات با پیونوشه و سازش با دیکتاتوری است. حزب دمکرات مسیحی با کنگره مزبور، خود را برای بدست گرفتن قدرت از طریق هندوپست با پیونوشه آماده کرده است.

منتشر شد:

شماره ۱۸ نشریه "آموزش‌هایی از انقلاب و سوسیالیسم" با مقالاتی به شرح زیر منتشر شد.

۱- تجربه نخستین انقلاب خلقی قرن بیستم

این مقاله به مناسبت هشتادمین سالگرد انقلاب ۱۹۰۵-۷ روسیه درج شده است. ب. ا. کوال، نویسنده مقاله، نوشته خود را با نقل قول زیر از لنین آغاز کرده است:

"پرولتاریای روسیه می‌تواند اقتدار کند که ملت بردگان در سال ۱۹۰۵ تحت رهبری او برای اولین بار به سیاه میلیونی تهاجمی به تزاریم و به ارتش انقلاب تبدیل شد."

مقاله تجربه نخستین انقلاب خلقی قرن بیستم، از مجله "طبقه کارگر و جهان معاصر"، شماره ۴ سال ۱۹۸۵ ترجمه شده است.

۲- دوران معاصر مبارزه طبقاتی

از تاریخ ۸ تا ۱۰ اکتبر سال

۱۹۸۶ به ابتکار آکادمی علوم اتحاد شوروی کنفرانس "طبقه کارگر و جهان معاصر" در مسکو برگزار گردید. نمایندگان بیش از ۱۰۰ سازمان زحمتکشان و همچنین رهبران و متخصصین حدود ۴۰ مرکز علمی پیش از ۸۰ کشور در این کنفرانس شرکت داشتند. شخصیت‌های برجسته احزاب کمونیستی و کارگری، سوسیال‌دمکرات، کارگر و اتحادیه‌های کارگری، جنبش‌ها و سازمان‌های انقلابی دمکراتیک از کشورهای ازبند رسته در بحث‌ها شرکت کردند.

مطلب "دوران معاصر و مبارزه طبقاتی" متن سخنرانی کس‌هال، دبیرکل حزب کمونیست آمریکا در این کنفرانس است. متن این سخنرانی از نشریه "طبقه کارگر و جهان معاصر" شماره ۱ سال ۱۹۸۷ ترجمه شده است.

۳- تئوری‌لبنی امپریالیسم و تکامل آن توسط کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی

این مقاله توسط ن. و. زاکلادین نگاشته شده است. این مقاله از مجله "مسائل تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی" شماره ۷ ژوئیه سال ۱۹۸۶

برگرفته و ترجمه شده است.

۴- کنگره ۲۵ حزب کمونیست فرانسه، امیدها و مبارزه برای آینده

مقاله فوق توسط ماکسیم گرمس عضو هیات سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه نوشته شده است. در این مقاله ماکسیم گرمس دیدگاه‌های خود را در زمینه روندهای سیاسی در فرانسه و استراتژی کمونیست‌های این کشور در قبال این روندها را تشریح می‌کند.

۵- کلکتیو بزرگ حزبی (کارجمعی، اصل بنیادین حزب)

این مقاله توسط آ. لوار و کونیال دبیرکل حزب کمونیست پرتغال نوشته شده است. کونیال در این مقاله تشریح "کارجمعی، اصل بنیادین حزب" را هدف قرار داده است. مقاله مزبور مطالبی، با عناوین زیر را در برمی‌گیرد: نوع رهبری، ره‌آوردهای تاریخی - تشکیل هسته رهبری کننده و ادامه کاری رهبری - عوامل ثبات و نوسازی - کلکتیو و فرد - فردگرایی - دبیرکل و کارجمعی - انسان با زندگی و اراده خود. "کلکتیو بزرگ حزبی" فصلی از کتاب "حزب همانگونه که هست" را تشکیل می‌دهد.

درباره

تئوری و نقد مارکسیستی

مذهب

مارکسیسم - لنینیسم، حاوی گنجینه‌ای غنی از نقد مذهب است. متأسفانه، جنبش چپ ایران به اندازه‌ای که ضروری است، در معرفی این گنجینه و انطباق خلق آن بر شرایط ملی، نكوشیده است. در این عرصه، انقلابیون کمونیست ایرانی هنوز وظایفی بزرگ در پیش رو دارند. مذهب، که در تاروپود زندگی جامعه ریشه داشته است، بر خوردی پیچیده و آگاهانه می‌طلبد. چنین برخوردی، بدون داشتن درکی روشن از عمده‌ترین مبانی تئوری و نقد مارکسیستی مذهب، امکان‌ناپذیر است. این امر در شرایط کنونی، به علت مبهم گردیدن مبارزه علیه حکومت مذهبی در ایران، با وظایف سیاسی روز نیز گره می‌خورد.

نوشته حاضر، فشرده فصل سوم از کتاب "مارکسیسم - مذهب - عصر حاضر" است. این کتاب را روبرت اشتاینگروالد، تئورسین برجسته مارکسیست - لنینیست و عضو رهبری حزب کمونیست آلمان، در سال ۱۹۷۲ نگاشته است. در صفحه ۷

برای اشتراک نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یارسید بانکی پوداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک	نشریه "کار"
۱۶ مارک	۱۴ مارک	شش ماهه	شش ماهه
۳۰	۲۷	یک ساله	یک ساله

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک	نشریه "اکثریت"
۳۶ مارک	۳۳ مارک	سه ماهه	شش ماهه
۷۰	۶۴	یک ساله	یک ساله

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 171
MONDAY, 24 AUG, 87

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address: RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

یا جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

نگاهی بر برخی از علل گرانی در کشور

جامعه توزیع می‌شود.

بموازات سیاستهای اقتصادی تورم زای رژیم، نابسامانی‌های اقتصادی و هرچ و مرج موجود در بازار نیز بر ابعاد گرانی و تورم افزودند. بهای کالاها در چنین شرایطی دیگر بر اساس هزینه تولید و مکانیسم معمول بازار سرمایه‌داری تعیین نشده، بلکه حتی کاسبکاران کوچک نیز واحد بخش بهای کالاها را داخلی را شرح بازار آزاد ارزهای خارجی قرار می‌دهند. این همه که توأم شد، تورم در ابعاد غریب آن شکل گرفت. در واقع پرده مبارزه بازار اسلامی با بازار غیر اسلامی و پراه افتادن قافله تعویض کفندگان حکومتی نیز نتیجه این ماجراست. رژیم خمینی همراه و همکام با "طبقه محترم بازاریان" او چشم و عصیان توده‌ها علیه گرانی فوق‌العاده و دیگر نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی در هراس بوده و از طریق پراه انداختن چار و چنگال و بکیر و بپند گرانیروشان بازار غیر اسلامی می‌کوشد تا چشم مردم را متوجه کسبه جز و دکانداران کوچک بکند. رژیم می‌کوشد تا رونق حجره "درشت خواران" را با سرکوب دکان "ریزه‌خواران" حفظ نماید.

بقیه از صفحه ۱۲

دیگر با سرآوری کردن کالاهای کوپنی بسوی بازار آزاد به شکل پنهان به گرانفروشی می‌پردازد. اخبار مستقل و حتی برخی او گزارش‌های رسمی بر آن دلالت دارند که تحویل برخی از کالاهای کوپنی - که چیه کالاهای اساسی محسوب می‌شوند - ماهها به تعویق افتاده، حال آنکه همین کالاهای وفور در بازار آزاد یافت می‌شوند. در ضمن باید توجه داشت که افزایش بهای برخی از کالاها از جمله فرآورده‌های نفتی مستقیماً در افزایش بهای بسیاری از کالاها موثر می‌باشند.

۵- سیاست ارزی

در لایحه بودجه سال ۶۶، رژیم درستون درآمدها رقی معادل ۱۲۰ میلیارد ریال را به عنوان درآمد حاصل از فروش ارز منظور کرده است. درآمد حاصل از فروش ارز در لایحه بودجه سال حاضر، نزدیک به بیست درصد درآمد نفتی منظور شده در این لایحه می‌باشد. رژیم با پیشبرد سیاست ارائه و عرضه ارز با نرخهای متفاوت، که به قصد کسب درآمد بیشتر صورت می‌گیرد، مستقیماً بر تورم و گرانی کالاها می‌افزاید. هم اینک سه نوع ارز با شرح دولتی، صادراتی و آزاد در